

هدف امریکا در همسایگی ایران ایران است، نه آزادی «گروگانها»

سرنوشت «گروگانهای» آمریکایی برای هیأت حاکمه آمریکا، که مستقیماً از ستاد مرکزی امریکاییسم در وال استریت آمریکا فرمان میگیرد، بواقع چقدر اهمیت دارد؟
این سئوالی است که تمام مردم ایران و تمام معتقدان به انقلاب و سرنوشت آن یکسار دیگر باید بدان پاسخ گویند. بی شک این پاسخ میتواند مستقیماً جهت را مشخص سازد که مجلس شورای آینده ایران میباید بر اساس این جهت گیری، پاسخ نهائی و قاطع را درباره سرنوشت «گروگانهای» آمریکایی بدهد.

تمامی ما و همه موجودات از آن داد که چه آمریکاییها بخوار و تمام دست نشاندگان، که با آنکه همسر نرزه زهر آکین قدرت نظامی او هنوز بر سر قدرت تکیه دارند، و چه آنها که نظام اجتماعی-اقتصادی هماهنگ با این جهانوار دارند و در واقع شریک مستقیم او در غارت مستضعفان روی خاک هستند، بسیار جلوتر از حتی تسخیر و توطئه و نیز تکیه و دستپاچه آمریکا در ایران، یعنی جاسوسخانه آمریکا، تصمیم خود را درباره سرنوشت انقلاب ایران گرفته اند.
این یقین بر اساس مجموعه فعل و انفعالات سیاسی غرب بطور عام و آمریکا بطور خاص و اطلاعات جسته و گریخته ای که هر روز بیشتر از روز پیش بدست می آید، پیوسته محکم تر میشود.

بقیه در صفحه ۲

**مشکل مسکن
زحمتکشان
حل نشده
باقی مانده
است**

۱۵ ماه پس از انقلاب، طبقات و واقعات زحمتکش مین ما، همچنان در زاغه ها، گودها، حلبی آبادها و ظلم آبادها، در حاشیه شهر تهران و یا در درون کلبه های بی هوا و آفتاب خود، در کنار طپور و دامها در روستاها بسر می برند.
صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۳۳
شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

خطر امریکا

**جدی است
فوری است
باقی است**

خطر تهاجم مجدد امریکاییسم آمریکا همچنان باقی است. اخبار موجود بازم این واقعیت را تأیید می کند:

جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد از شکست تلاش نجات ماه گذشته گروگانهای آمریکایی در تهران، روحاً کسل است. او در سخنرانی خود در شورای کار برای پیشرفت آمریکایی لاین گفت ما نمیتوانیم استراحت کنیم تا وقتی که آزادی آمریکاییها باز پس داده شود.

(آزادگان، شنبه ۲۰/۲/۵۹)
و این کریستوف کتبل وزارت خارجه آمریکا در اظهار نظر روز پنجشنبه خود در کمیته روابط خارجی سنا، هیچ امیدیه به پایان نزدیک بحران ابراز نکرد، ولی گفت ایران از امتیازات اقتصادی آمریکا و اروپا محصل مشکلات فزاینده ای خواهد شد. او افزود هدف واشنگتن برقراری یک ثبات تغییرناپذیر است. تا زمانی که موقعیت گروگان گیری ادامه می یابد. اوضاع برای مردم ایران بدتر خواهد شد.

(آزادگان، شنبه ۲۰/۲/۵۹)
آمریکا متحدان خود را برای تحریم اقتصادی ایران تحت فشار میگذارد. و این کریستوف کتبل امور خارجه آمریکا اعلام کرد این کشور متحدین خود را تحت فشار میگذارد تا با اعمال یک تحریم دسته جمعی علیه ایران، به اقتصاد این کشور لطمه زده و زندگی را برای ایرانیان دشوار سازند. بنا به گزارش آسوشیپد پرس از واشنگتن و این کریستوف اضافه کرده «ما میخواهیم رهبران ایران بدانند که تمام کوشش قابل استفاده را خواهیم کرد تا رهبران ایران را مجبور به آزادی گروگانها کنیم».

از سوی دیگر کریستوف قول داد جیمی کارتر با حسن نیت کامل و تا حد امکان قبل از دست دادن به هر گونه عملیات نظامی با اعضای کنگره مشورت خواهد کرد.

(بامداد، شنبه ۲۰/۲/۵۹)
تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران در برنامه کار روزانه کاخ سفید باقی است. بر این گزارش مطبوعات آمریکا در جلسه مشاوره ای که در کمیته روابط خارجی سنا در روز پنجشنبه برگزار شد، طرحهای گوناگون اقدامات علیه ایران و بویژه طرحهای مختلف تجاوز نظامی به ایران مورد بررسی قرار گرفت.

(نام مردم، ۲۱/۲/۵۹)
اقداماتی که از سوی کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در جهت تحریم اقتصادی ایران صورت میگیرد، کم کم از حالت تبلیغ خود خارج شده و نوعی همبستگی با آمریکا در مورد گروگانها مبدل می شود. لرد کابینتون وزیر خارجه انگلستان اعلام کرده «باید به حکومت ایران نشان داد که موضع ما کاملاً جدی است».

(بامداد، دوشنبه ۲۲/۲/۵۹)

ستون پنجم آمریکا

آمریکا چنانکه سربعاً اعلام کرده برای زمین سازی خود از جاسوسان و ایادی داخلی اش استفاده می کند. اخبار از فعالیت وسیع ستون پنجم آمریکا حکایت دارد.
یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار با ۱۰ بمب دستگیر شد. عصر دیروز یک نفر همراه با ده عدد بمب و یک عدد نارنجک دست ساز دستگیر شد. این شخص که جوانی ۲۲ ساله میباشد، یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار است. این گروه که ستون پنجم آمریکا در ایران نام گرفته است، در انفجارهای اخیر تهران و شهرستانهاست داشته است. اعضای این گروه خود را آماد همکار با کماندوهای متجاوز آمریکایی به ایران کرده بودند که از شکست مفتضحانه آمریکا عملیات این گروه نیز خود بخود لغو شد. اما پس از آن این گروه با استفاده از تجهیزات و مهمات اذیل آماده شد برای ایجاد رعب و وحشت و ایجاد جنگ روانی، دست به تخریب و ایجاد انفجار در نقاط مختلف ایران زدند.

(انقلاب اسلامی، یکشنبه ۲۱/۲/۵۹)
تاکنون هیچکدام از خبرنگاران آمریکایی، که سفارتخانه خود را تحت نظر دارند، انتقال گروگانها را ندیده اند.

(نقل از اسپیکل، آزادگان - یکشنبه ۲۱/۲/۵۹)
۲۱ آمریکایی و آلمانی در یزد دستگیر شدند. شب گذشته مسئول سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد طی تماسی با خبرنگار جمهوری اسلامی اعلام کرد، دیروز ۵ زن و ۱۴ مرد توریست در این استان دستگیر شدند...

لازم بیاد آورید که از دو آمریکایی دستگیر شده که یکی از آنها زن است، یک قبضه کلت و لنگر کمری، ۱۹ تیر فشنگ به همراه ۱۵۱ کفش و تعدادی نوار ضبط صوت و یک حلقه قیلر تمهیدی اوراق که آدرسهای مختلف به روی آن مشاهده می شد، بدست آمد. بنا به اطلاع قبلی دانشجویان پیر و خط امام، مستقر در یزد و طبق اطلاعات واصله از زمان دخالت نافرجام نظامی آمریکا در ایران، رفت و آمد افراد توریست در این استان به چشم می خورد.

(جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۱/۲/۵۹)

ملاقات اویسی با نماینده شیخ عزالدین حسینی

ارتش و پاسداران زده است. نیروهای بعضی همچون پاسگاههای «شیخ صله» و «از کله» را با توپخانه های سنگین و خمپاره زیر آتش می گیرند. پاسگاه شیخ صله فعلاً تحت تصرف نیروهای بعضی عراق است و نیروهای ایرانی به علت عدم هماهنگی ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران نتوانسته اند، این پاسگاه را پس بگیرند.
از طرف دیگر، عشایر وابسته به حکومت بعث عراق، که زیر نظر کدخدا محمد نظری و کدخدا علی دولتخواه کار می کنند سراسر راه قصر شیرین تا بایسی را نیز، که آخرین نقطه مرزی است، مین گذاری کرده اند.
این مین ها ساخت کشور عراق هستند و تا کتون عدم آشنایی ارتشیان به منطقه مین گذاری شده،

بنا به گفته یکی از مسئولین ستاد عملیاتی سپاه پاسداران در کردستان، نماینده شیخ عزالدین حسینی اخیراً با اویسی، از هاری و سردار جاف ملاقات و گفتگو کرده است.
از محتوی این گفتگو، که به دنبال تشدید حملات نیروهای بعضی عراق و عوامل ضد انقلاب وابسته به امریکاییسم آمریکا علیه ایران صورت می گیرد، اطلاعی در دست نیست.
بر اساس اطلاعات رسیده، نیروهای بعضی عراق در حال حاضر بیشترین حملات خود را روی مناطق «بایسی»، «تپرش» و «تیکه کوه» در حوالی قصر- شیرین متمرکز کرده و مسیر جاده از گروگان زاندارمری «گروه نو» بعد از مین گذاری کرده اند. وجود این مین ها خسارات مالی و جانی فراوانی به نیروهای

فیدل کاسترو:

**خلق کو با هرگز
تسلیم نخواهد شد**



**در ایران یک
انقلاب حقیقی
روی داده است.
ماموظف هستیم
که نسبت به این
انقلاب ابراز
همبستگی کنیم**

در تظاهرات اول ماه مه، که بیش از یک میلیون نفر از زحمتکشان هاوانا، پایتخت جمهوری کوبا، در آن شرکت کردند، فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس دولت کوبا، سخنرانی میسوی ایراد کرد، که از نظر اهمیت، نکات برجسته آن به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد:

کاسترو گفت: «این گروه آتی باشکوه نمودار درخشان همبستگی مردم کوبا و وفاداری آنان به مین و امر انقلاب است. ما در اینجا گرد آمده ایم تا بنشینان بگوئیم که خلق ما را نمیتوان بشوخی گرفت و با انقلاب ما نمیتوان بازیهای خطرناک دست زد. ما نشان میدیم که کسی نمیتواند خلق ما را تحقیر کند و یا جرات تهدید

قرارداد مجتمع پتروشیمی ایران- ژاپن بسود ایران نیست و باید لغو گردد

و خواهند کرد جای تردیدی نیست. حیرت آور آنستکه مسئولین وزارت نفت ماها است دست روی دست گذاشته و در انتظار آند که انتصاری تکمیلی و چند ملیتی ژاپنی-هلم در مجتمع پتروشیمی، سرنوشت آنرا تعیین کنند!
ولی این فقط یک روی مدال است. روی دیگر مدال مشون و محتوی این قرارداد است. ما بارها درباره قراردادهای اسارت- بارویک جابه جایی شده از جانب امریکاییسم سخن گفته و ماهیت غارتگرانه آنها را فاش ساخته ایم و قتی مامی گوئیم اینگونه قراردادهای باید بی درنگ منسوخ و تجدید نظر همجانبه قرار گیرند. هدفی جز پایان دادن به سیطره انحصار- های غول آسای امریکاییستی به قصد تأمین مصالح و منافع ایران و ایرانی ندانسته و ننداریم. دموود قرارداد مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی به جمع پتروشیمی بندر امام خمینی هم که انصا رهای ژاپنی ۵۰ درصد سهام آنرا بخود اختصاص داده اند، نظرمنا الفانی فوری این قرارداد است، به ویژه اینکه طرف ژاپنی با کاب- شکنی های خود چنین حتی راه وزارت نفت ایران میدهد. علل مخالفت ما با این قرارداد به قرار زیرین است:

آقای مین فر، وزیر نفت، در گفت و شنودی با خبرنگاران گفت که انحصار ژاپنی میتسوئی قبول داده که کار ادامه ساختمان مجتمع پترو- شیمی ایران - ژاپن را آغاز کند و گویا اقداماتی هم در این زمینه انجام داده است. آقای وزیر نفت افزود که از شیوه عمل انحصار ژاپنی ناراضی است.

ناراضی وزارت نفت فقط محدود به عملکرد انحصار ژاپنی است و آیا کارشناسان وزارت نفت، بعد از پیروزی انقلاب، اصل قرارداد منعقد بین ایران و انحصارهای ژاپنی را، که در دوران رژیم شاه منسوخ به امضا رسیده و نمونه کامل و جامع یک قرارداد نواستعماری است، مطالعه کرده اند؟
در اینکه انحصارهای ژاپنی در تمام ساختمان مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی کارشکنی کرده سوال اینست که، آیا

در صفحات بعد

**۱۴ ساعت «ماشین شوئی»
برای یک لقمه نان**
گزارشی از زندگی و «کار» ماشین شوئیان تهران - صفحه ۳

**رسانه های گروهی ایران را از چنگ
خبرگزاری های امریکاییستی
نجات دهید**
صفحه ۶

**فراورده های کشاورزی امسال را
باید نجات داد**
مسائل دهقانان - صفحه ۵

با کارگران معادن یزد...
صفحه ۷

پنج بال سپید نشسته به خون
بیت و ششون سالگرد شهادت ۵ رفیق توده ای در زندان رشت
صفحه ۷

برای مبارزه با امریکاییسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

راهپیمائی هواداران حزب توده ایران در آلمان فدرال و اطریش به مناسبت اول ماه مه



اعضا و هواداران حزب توده ایران در اطریش، در تظاهرات اول ماه مه دروین، پایتخت اطریش، با شعار «دستها از ایران کوتاه» شرکت کردند.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرهای مختلف آلمان فدرال روز اول ماه مه در تظاهراتی شرکت کردند که در آن شعارهای مبارزانه و کلماتی چون «دستها از ایران کوتاه» و «ایران را آزاد کنید» شنیده می‌شد. در این تظاهرات شرکت‌کنندگان با پرچم‌های ایران و تابلوهایی با نوشته‌های «HÄNDE WEG VOM IRAN!» و «TULDEH PARTEI» شرکت کردند. این تظاهرات در شهرهای مختلف آلمان فدرال و اطریش برگزار شد.

هدف آمریکا در هم شکستن انقلاب...

بدون برده‌پوشی و دولتی باید گفت که تصمیم آنها همان خفه کردن انقلاب ماست. می‌خواهند گلولی مسا را درون خانه‌مان بگیرند و آنقدر در میان انگشتان بخون نشسته خود پشاورند، تا به خیال خودشان برای همیشه خاموش شویم.

ما این اعتراف شرم‌انگیزی از جاسوسان آمریکایی را که اخیراً به سراسر جهان متناثر شده، یک واقعیت تلقی می‌کنیم و آنرا شاهد دیگری برای یقین خود میدانیم که آمریکا و دستیاران و دست‌نشاندها کشتن تصمیم نهائی خود را درباره ایران و انقلاب آن مدتهاست گرفته‌اند و در طول این مدت با انواع پانزهای سیاسی در مقابل نگهداشتن ما داشته‌اند، تا زمان فرصت بهتر و بیشتر برای اجرای نقشه‌های شیطانی خود داشته باشند.

جاسوس آمریکایی با سراجت گفت: «ما گروما مانده‌دو دیگر جاسوسان پول‌دار بودیم و در آمریکا از این نظر نفوذی داشتیم، آمریکا تاکنون بی‌شک همه‌لانی خود را، حتی با توهین دادن شاه به ایران بکار گرفته بود، تا ما را آزاد کند و به خانه و کاشانه‌مان بازگرداند.»

این اعتراف از یک سو و تلاشهای سیاسی آمریکا از سوی دیگر همگی حکایت از آن دادند که آمریکا تنها از اجرای تسخیر جاسوس-خانه‌اش در ایران و به گروگان‌گرفته شدن جاسوسانش می‌خواهد حداکثر استفاده تبلیغاتی را بکند و با اصطلاح خودش از هم‌اکنون عملیات دودمانه‌اش در ایران را توجیه کند.

تصمیم «دوروش» به انقلاب ایران امروز و دیروز تا زمانه است و حتی اگر هم امروزه گروگان‌ها آزاد شوند، ولی هیچ تمیزی در جهت بازگشت آمریکا به ایران و برقراری سیستمی که او بتواند به قدرت ایران ادامه دهد، در نظام جمهوری اسلامی ایران حاصل نشود. او همچنان به نقشه‌های شیطانی خود خواهد اندیشید و بی‌شک بهانه دیگر دست‌آویز دیگری برای اجرای این نقشه‌های شیطانی پیدا خواهد کرد.

به سندی که توسط آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهوری افشا شد، یکبار دیگر بیابانید، تا باور کنید که آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب ایران نقشه در هم کوبیدن آنرا داشته است و تمام راههای ممکن را نیز در این زمینه پیش‌بینی کرده‌است.

سه نهاد شیطانی آمریکا، همانکه با یکدیگر در ارتباط با کاخ سفید و واشنگتن علیه انقلاب ایران بسیج شده‌اند و مسا باید به‌پذیریم که این بسیج نه تنها تاکنون ادامه داشته، بلکه در آینده تشدید هم خواهد شد. سبای آمریکا، وزارت دفاع و وزارت خارجه این کشور، در ارتباط مستقیم با کاخ سفید و واشنگتن، همان نقشه شوم کودتای ۲۸ مرداد را، منتصی با تکنیک‌های جدید و روشهای تازه در سردادند. در همینجا باید یادآور شویم که بر اساس اعترافات خود کارتر، شبکه عظیم خبرگزاریها و وسائل ارتباط جمعی امپریالیستی بنوانی جزئی از این نقشه مورد استفاده‌اند. کارتر اعتراف کرد که پادای از این با اصطلاح خبرنگاران و خبرگزاری‌ها مانور مستقیم سبای آمریکا هستند و در شرایط بحرانی نقش کلیدی یک جاسوس را بازی می‌کنند.

همین نقشه آمریکا و تصمیم آن درباره ایران چیست و چگونه اعمال میشود و تصمیم ما می‌باید در قبال آن چه باشد.

امپریالیسم آمریکا یکمک تمام دستیاران و دست‌نشاندها کشتن و با استفاده از شبکه‌های گسترده و وسائل ارتباط جمعی از پیروزی انقلاب ما، یک جنگ روانی را علیه ایران آغاز کرد. انواع و اقسام تهمت‌ها و خیالپردازیهای شیطانی در مطبوعات این کشور علیه ایران به چاپ رسید و اندیکر وسائل ارتباط جمعی، نظیر رادیو و تلویزیون، بخش‌های بسیاری از مردم کشورهای سرمایه‌داری، بویژه در آمریکا در محاصره این اخبار جعلی سرعت از ایران و انقلاب آن تصویرگری در گوشه در ذهن خود ساختند، که همچنان ادامه دادند و روز به روز نیز تشدید میشود. باین ترتیب ابتدا آمریکا با اصطلاح خودش از نظر داخلی خیال‌ش را داشت، یعنی افکار عمومی را طبق الگوی که مایل بود ساخت و آنرا آماده پذیرش عملیات خود علیه ایران و انقلاب آن کرد. این دست‌سازي با شدت هر چه بیشتر همچنان ادامه دارد. آخرین سری دانشجویانی که از آمریکا به ایران بازگشته‌اند، وقتی زبان باز می‌کنند و از جنجال تبلیغاتی آمریکا علیه ایران می‌گویند، بعدتر ممکن است در انسان ایجاد حیرت نکند.

حل مشکل مسکن...

بقیه از صفحه ۱
با آنکه از نخستین ماههای بعد از انقلاب، حل مشکل مسکن برای مستضعفان در دستور کار بود، ولی نداشتن سیاست اقتصادی مشخص، که منجر به نداشتن سیاست روشنی در اس‌خانه‌سازی نیز شد، تعدد مراجع همبستگی و اتخاذ تصمیمات ضد و نقیصی، مانع از اقدام جدی برای حل این مشکل بزرگ اجتماعی شده تا آنجا که مدیر عامل بنیاد مسکن در سمینار سه‌روزه این بنیاد صریحاً اعلام میکند که: «تا این سیاست دولت است که تصمیم دارد فعلاً مسکن بصورت یک مسئله اساسی مطرح نشود.» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران - ۲۴ فروردین ۱۳۵۹)
و اما چرا؟ مگر نه است که ۱۸ میلیون هموطن روستائین ما را باید از آن سوراخهای غیربهداشتی بنام «خانه» بیرون کشید و در یک مسکن مناسب جای داد؟
مگر نه است که در همین شهر تهران، طبق نوشته روزنامه‌ها، تا اواسط سال ۱۳۵۷، یک میلیون خانه‌نشین وجود داشته و در

یکساله بعد از انقلاب نیز، بنا به گفته شهردار تهران، یک میلیون نفر به‌عنوان گرفتار مسکن به تهران کوچ کرده‌اند و به‌شمار حاشیه‌نشینان افزوده‌اند؟
مگر نه است که در شهرهای سراسر کشور باید بسیاری از خانه‌ها را در هم کوبید و ساکنان آنها را به خانه‌های مناسب‌انتقال داد؟
بنابراین چرا نباید حل مشکل مسکن بصورت یک مسئله اساسی برای انقلاب مطرح باشد؟
علت آن روشن است، مسئولین امور سرانجام به این حقیقت نرسیده‌اند که حل مشکل مسکن فقط در پیوند با سایر مسائل اقتصادی و عمرانی کشور ممکن است، و چون متأسفانه تاکنون برنامه‌های جامعی برای حل مشکلات اقتصادی و عمرانی ارائه نشده، مسئله مسکن هم به تبعیت از آن مسائل، حل نشده باقی مانده است.
بدون کمترین تردید باید گفت که تا زمانی که راه رشد اقتصادی کشور مشخص نباشد و بر اساس این راه رشد برنامه‌های صنعتی، کشاورزی و عمرانی بریزند نشود، طبقاً نمیتوان در مورد چگونگی حل مشکل مسکن تصمیم گرفت.

مباحث داریم هروسپله‌ای را تحت قوانین بین‌المللی...

مباحث داریم هروسپله‌ای را تحت قوانین بین‌المللی بکار می‌گیریم و از آنجا که ما تقوی طرف صدمه در این ماجرا هستیم، لذا راه‌توسل به تهری نظامی، اگر من ضروری تشخیص دهیم، بر ما بسته نیست.
خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: «ایالات متحده به متحدان خود و دولت تهران اطلاع داده است که چنانچه وضع گروگان‌های زندانی سفارت آمریکا در تهران نامنظم روشن نشود، این کشور ایران را در محاصره دریائی قرار خواهد داد.»
این واقعیت را هم ملت ایران و هم آمریکا و هم دستیارانش در دست‌نشاندها کشتن میدانند که هیچ این‌همه در خلیج فارس و در جنوب ایران برای شرکت در یک کارناوال دیدنی نیست. همه این قشون‌کشی نشان‌میدهند که آمریکا چه‌خواهی برای انقلاب ایران در سردارد و این‌خواهی است که از ابتدای اوچ گیری این نهضت‌دور داشته است و بی‌شک همچنان در دست دارد. این همان تصمیمی است که از قبل برای ایران و انقلاب آن گرفته‌اند و مامیابیت بر اساس آگاهی از این تصمیم شوم امپریالیسم جنایتکار آمریکا بجا می‌شود و در مورد تمام راه‌های خوش با آمریکا سلطه‌گر و از جمله درباره «گروگان‌های» آمریکایی نیز بر اساس این آگاهی تصمیم بگیریم. تصمیمی که می‌باید در مجلس شورای آینده ایران تجلی کند.
در نخستین روزهای تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران، دورا حل به آمریکا پیشنهاد شد، یکی آنکه شاه مخلوع و اموال‌فارت شدای راه‌های ایران مسترد دادند و گروگان‌ها آزاد شوند. دیگری اینکه، اگر اواز این کارس باز زنده‌توطه چینی و دمیسه علیه انقلاب ایران ادامه دهد و این خواست بحق ملت ایران عمل نکند، «گروگان‌های» که تمام مدارک و پرونده‌های مربوط به جاسوسی آنها علیه انقلاب ایران در دست است، در دادگاه خلق ایران محاکمه خواهند شد و هم‌اوقات قانونی خواهند رسید.
تمام خواهد نشان‌میدهند که آمریکا بر اساس تصمیمی که حتی قبل از تسخیر جاسوسخانه‌اش در ایران گرفته، نفع‌ها خیال‌پان-گرداندن شاه مخلوع و ورتوهای به‌قارت برده‌اش راه‌های ایران ندارد، بلکه بر رفته مشغول توطئه‌دمیسه علیه انقلاب ایران است و خواهد گلولی خلق ایران راد در دون مرزهای ایران در دستهای خونینش آقدر بشمارد. که دیگر صدای فریاد مظلومه و حق طلبانه‌اش شنیده نشود. بر این اساس است که باید، از خود سوال کرد که آیا زمان اجرای تصمیم دوم ایران منبیه‌محاکمه جاسوسان آمریکایی در دادگاه خلق ایران رسیده است؟
آیا اکنون که آمریکا تصمیم نهائی خود را برای سرکوب انقلاب ایران گرفته‌است، نباید از جمله با محاکمه جاسوسان آمریکایی با او به‌مقابل بر خیزیم؟
آیا با از هم باید منتظر ابتکار عمل آمریکا باقی‌مانیم و سپس عکس‌المثل نشان بدهیم؟
تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکایی جنایتکار و هم‌مدانی همکاری توکران دست‌نشانده و یاران‌فوق‌کلی غارتگرش در غرب را یکبار دیگر باید با خاطر آورد و سپس به این سوال پاسخ داد که آیا با از هم جای‌سیر و انتظار باقی‌مانده است؟
اما شاید این سوال برای بسیاری مطرح شود که، مادر تریج محاکمه جاسوسان آمریکایی چه سودی می‌برد؟
این گفته امام خمینی بهترین پاسخ به این سوال است که، آمریکا میدانند که محاکمه شاه مخلوع و با جاسوسانش در ایران و در نتیجه بر ملا شدن دایس شیطانی این کانون توطئه‌چینی، در سراسر جهان و مخصوصاً در میان ملت آمریکا شره‌های بزرگ‌برچیا و لگرنائی است که بر آمریکا حکومت می‌کنند.
یکی از تلاشهای گسترده آمریکا در سطح جهان و مخصوصاً در داخل آمریکا در گروگان‌چلودان انقلاب ایران و زمینه‌سازی برای هر گونه تجاوز به ایران در اذهان عمومی است. این شیوه است که در تمام سالهای سرکوب وحشیانه مردم قهرمان و بی‌توان در آمریکا جریان داشت. آنها با سیستم تبلیغاتی خویش، که در دست سهیوئیستها و سازمان سیا آمریکا، بر افکار مردم حکومت می‌کنند و تنها آن‌نیز را اچازمه‌میدهند مردم‌اندک نفع‌خودشان باشد، یعنی در دست‌همان شیوه‌ای که در زمان حکومت شاه مخلوع با راه‌نمایی سبای آمریکا در ایران اعمال میشد.
محاکمه جاسوسان آمریکایی در دست در همینجا می‌تواند بیاری و دیگر ملت‌هایی بشتابد که در زیر هجوم تبلیغاتی آمریکا و دستیاران دست‌نشاندها کشتن از عمق فاجه‌ای که آمریکا طی‌دها سال در ایران بوجود آورده، بی‌خبر نگاهداشته شده‌اند. فقط در اینصورت است که جهان خواهد دانست که حق چیست و باطل کدام است، جهان خواهد دانست که آیا در درخواست خود برای پادشاه گرفتن شاه مخلوع، که طبق سند دست‌بست آمده و افشاشده توسط آقای بنی‌صدر، همچنان به‌دینتی با تاخ سفید و واشنگتن برای در هم کوبیدن انقلاب ایران است، محق هستیم یا آن‌ها که زیر پوشش تبلیغات دروغین، اذهان عمومی راد در کتوهای خویش برای یک قتل‌عام در هم کوبیدن اراده یک ملت با خواسته آماده می‌کنند.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

ماشین شوین:

چون کار پیدا نمیشود، به ماشین شوئی روی آورده ایم



این صف هر روز طولانی تر میشود.

۱۴ ساعت «ماشین شوئی» برای یک لقمه نان

صف ماشین شوین هر روز طولیتر میشود و گروهی از پیکاران برای پیدا کردن لقمه نانی باین «کار» میپیوندند



دونوجوان ماشین شوئی: بازوهائی که باید در خدمت تولید باشند، ولی برای یک لقمه نان پیر میشوند.

است. هیچکاری هم بلد نیستیم. بعد سرش را پایین می اندازد. - از انقلاب چه انتظاری داری؟ - هیچی. موقتی که انقلاب شد، زندان بودم. آن موقع بدبخت بودم، الان هم هستم. در مسافرخانه ای نزدیک میدان غار با شش پانزده تومان یکدوسه نفر در یک اتاق زندگی می کنیم. این زحمتکشان تنها امیدشان به انقلاب ایران، انقلاب مستضعفین است، انقلابی که باید برای آنها کار فراهم کند، با هم با تولید به انقلاب خدمت کنند و هم بتوانند زندگی خود را بچرخانند.

نور در خیابان گرگان گرایه کردم، که ماهیانه ۶۰۰ تومان بابت اجاره می پردازم. ما سه نفریم من وزلم و هانر بزرگم. - آیا تخصص داری؟ - مکانیکی بلدیم. اما کار ندارم. سه چهار هفته مرتب بدبختی کار گشتم، اما به نتیجه ای نرسیدم. راستش باید بگویم که زلم نبودند من ماشین شوئی می کنیم. به او گفتم که مکانیکم، الان هم تنها انتظارم از انقلاب اینست که برای یک کار جور کند. پول زیادی هم نمیخواهم. یا ۱۸۰۰ تومان هم می توانم زندگی کنم، سه بار به بنیاد مستضعفین مراجعه کردم. ششماهه و هادار کمر بردم. آنها هم اسمم را نوشتند، ولی آخر سر گفتند تو باید ۷۰۰۰ تومان پیشی - قسط بدی. آخر من از کجا بیاورم؟

رسیدگی کند. مستضعفین واقعی، نه اینکه به پولدارها برسند و ما را فراموش کنند. در این موقع اتومبیلی از راه می رسد. او با عجله ز پیاده شدن، با حالتی درمانده ما را ترک می کند و بطرف اتومبیل می رود. چند قدم می بردم، مردی هر چند لحظه قوطی حلیلی اش را برآز آب می کند و به خیابان می باشد صورت آفتاب سوخته اش به عرق تنگ شده. نفس نفس می زند. پلکهایش هر چند لحظه به آرامی روی هم می افتد. نزدیک سی شویم. با ناپابری و لظاتی براندازمان می کند و می گوید:

در مورد زندگی من پرسیده است. خوش را معرفی نمیکنند. میگوید: «اسم که مهم نیست، درآمد اهل قروه ام. حدود سی سال است که به طور متناوب ماشین شوئی کردم. اوایل کشاورز بودم، ولی پدرم مرد و زمین کوچک او به تعداد بسیاری تقسیم شد. من که پولی نداشتم زمین را آب ان گفتم، آقا فروختم.» می پرسد آیا تخصص داری؟ می گوید:

مجبور شدم بتهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیاموردم. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر تکنیک کار راحتی است. یاور کنید که یکی از سخت ترین کارهائی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بوده، من هیچوقت این کار را نمی کردم. بعد خودش را معرفی میکند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد:

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزبی!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبسوم انقلابی است.

«من اهل تهرانم. حدود ۹ سال است اینجا کارم. یک وقتی کاملاً راننده بودم. مدتی هم ساندویچ فروشی می کردم. ۱۱ سالی که شاگرد راننده بودم، چند بار تصادف کردم. به خاطر همین ترسیدم و آن کار را کنار گذاشتم و رانندگی گارسون شدم. از این که چیزهای سنگین بلند کردم و پریدم که باغ، پاهایم واریس کرد و مجبور شدم آنرا هم بگذارم کنار. بعد از آن یکبار شدم و رو آوردم به ماشین شوئی.» - زن ریجه داری؟ - «زن دارم، اما مدت ها قبل او تصادف کرد و ریجه دار نشود. من از این بابت خوشحالم، چون اگر یک نفر دیگر اضافه شود، او هم مثل ما بدبخت می شود. از وضع زندگی ما برای آن بگویم که واقعا دردناک است. یک اتاق

در مورد زندگی من پرسیده است. خوش را معرفی نمیکنند. میگوید: «اسم که مهم نیست، درآمد اهل قروه ام. حدود سی سال است که به طور متناوب ماشین شوئی کردم. اوایل کشاورز بودم، ولی پدرم مرد و زمین کوچک او به تعداد بسیاری تقسیم شد. من که پولی نداشتم زمین را آب ان گفتم، آقا فروختم.» می پرسد آیا تخصص داری؟ می گوید:

مجبور شدم بتهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیاموردم. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر تکنیک کار راحتی است. یاور کنید که یکی از سخت ترین کارهائی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بوده، من هیچوقت این کار را نمی کردم. بعد خودش را معرفی میکند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد:

بدبخت ماشین شوین به بلوار کشاورز می روم. مردم در رفت و آمدند. ماشینها به سرعت خیابان را طی می کنند. سردی در حالیکه یک سطل، چند دستمال و یک قوطی پودر رختشویی در کنارش روی زمین گذاشته، با حسرت به عابران می نگرد. نه لباس گرمی به تن دارد و نه کفشی به پا. در دلدل می کند. دریا دریا حرف برای گفتن دارد. گویی که سالهاست کسی از او

دیگر کار می کنند و زیستان ما از روی ناچاری پشیم می آیند. می گفت: «صبحها تو میدان انقلاب منتظر می شویم، شاید کار ساختمانی گیر بیایم، که البته کمتر موفقی می شویم. اگر نتوانستیم کاری گیر بیایم، می آیم اینجا ماشین شوئی.» حرف که می زند، لحظه ای از کار کردن باز نمی ایستد. نیرو جوانی در بازوانش تومندش فراوان است. نیروئی که باید صرف تولید شود.

از زندگی هیچ نفهمیده ام، غیر از در بدمی

رویی بیست حلیلی توستی خوردی، مردی با دستانت متورم از آب سرد، پاهای برهنه و ترک خورده، با شلوار پلاژده تازانو، با چشمانی به حدقه تنگ شده، بیروت و حیران به اطراف می نگرد. لحظه ای بعد با او حرف می زنیم: «اسم علی ریضی است. قبل از انقلاب نقاشی ساختمان بودم، ولی بعد از انقلاب مثل خیلی های دیگر بیکار شدم. مدتی با قرص و قوه سر کردم، اما دیگر قدرت دادن گرایه خاله نداشتم. به خاطر همین مجبور شدم از آنجا بلند شوم. بعد از روی ناچاری زلم را فرستادم همدان پیش پدر مادری و خودم از آن موقع در یکی از مسافرخانه های جنوب شهر شبها راسر می کنم. ۴۵ سال دارم و باید بگویم که حالا از زندگی هیچی نفهمیده ام. هه اش بدبختی و در بدمی، پس انقلابی می خواهد برای ما کاری انجام بدهد» در همین موقع یکی دیگر از ماشین شوین وارد صحبت میشود و میگوید:

«ما مجبوریم این کار را بکنیم و اگر نه زن و بچه ما از گرسنگی می میرند. من خودم قبلا کار داشتم. توی تهران کارگر بودم، اما بعد از آنجا بیرونم کردند. آواره و سرگردان، مدتهای زیادی بدبختی کار از این در به آن دردم، اما نتیجه ای نداشتم. بعد از آن

هر صمته کبر بدنه اتومبیل ها برق می اندازد، نشان از هدر رفتن یک بازوی تولید دارد و نفری که به صف ماشین شوین افزوده میشود، بیانگر این است که نفر دیگری به صف بیکاران پیوسته، صفر که صد انقلاب بهترین امکان سپاسی را در میان آن دارد. ماشین شوین پدیده تازه ای نیستند. آنها در رژیم گذشته بخشی از بیکاران پنهان و راتسکیل میدادند.

رژیم شاه کار بخورد و اینها را ممنوع اعلام کرده بود و ماشین شوین، که اغلب از روستائیان مسافر هستند، در اطراف تهران فعالیت میکردند. بعد از انقلاب، ماشین شوین به شهر آمدند، و چون ممنوعیتی برای کارشان نبود، در خیابانهای شمالی تهران در کنار جوی های آب به کار پرداختند، کاری که سرمایه آن تحمل سرما و گرما، یک لنگ و یک سطل است.

آنچه مربوط به بعد از انقلاب میشود، افزایش تعداد بیکاران، بملت رکود بخش عمده ای از صنایع است.

ماشین شوین، مرکز فعالیت، ماشین شوین، که تعداد آنها را هیچکس نمیداند، در خیابان سید جمال الدین اسد آبادی، واقع در یوسف آباد و بلوار کشاورز است.

خبرنگار نامه «مردم» از کار و زندگی این زحمتکشان گزارش زیر را تهیه کرده است:

قیافه های گرفته و آفتاب سوخته شان خیز از کار سخت، فقر و دردها می دهد. اکثرشان روستائیان هستند که از روی اجاری و برای تأمین مخارج زندگی تهران آمده اند، اما در اینجا، بی اینکه کاری بدست آورند، عظیم بیکاران پیوسته اند.

ماشین شوین از صبح تا شب در حد اقل ۱۲ ساعت کار در خیابانهای پر تردد و کثیف یکی دو اتومبیل در روز، ۶۰ تا ۸۰ تومان بدست می آورند. بطور دائمی به خیابان، پسر جوانی زولیده و صورت سیاه کثافت، مشغول برق یکی از اتومبیل های رست است. نزدیک می آید بگفتگو می نشینیم. در ده پیش غلام بخشی است. ولی بعد از کشاورز بوده، مثل اینکه زمینشان کفاف او را نرساند، از آنجا بیرون آمد، کردن زمین مجبور به کار تابستان و پاره این صورت که ای زمینداران

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

با کارگران معادن یزد...



در ۱۱۰ کیلومتری غرب یزد و در فاصله ۱۳ کیلومتری از جاده خاکی یزد - ابرقو، معدن سرب و روی امرآباد، متعلق به شرکت سهامی معدنی پرژام قرار دارد. معدنی که هر گوشه اش تداومی صحنه های رنج، پیکار و استثمار است. معدنی که پینه های دست کارگرانش به قدمت رفاه سهام داران آن است. معدنی با ۸۰ کارگر، یا ۸۰ انسان محروم از ابتدایی ترین حقوق خود.

معدن سرب و روی امرآباد از پیشتر امکانات اولیه زندگی مسروم است. تعدادی از کارگران معدن، که از شهر یزد به این منطقه می آیند، فقط یکبار در ماه با خانواده خود در یزد دیدار می کنند. خانه های این گروه از کارگران در محل معدن دور نزدیک آبادمسواد سرب و روی نباشد و هر اطاق حداقل میل اسکان ۲ کارگر است. اطفاها اکثراً در فصل بارندگی ریزش می کنند و از حجام و بهداشت در معدن خبری نیست. کارگران معین معدن، بدور از هر گونه تنوع و تفریح، در تنهایی خود می پوسند، و این در حالی است که صاحبان سرمایه در تهران در زیباترین خانه ها مسکن دارند. پای سبب محرومیت یکی از کارگران می نشینم می گوید:

«پسه تشخصی پزشک مسوومیت سرب و روی ندارم. تمام لثه های سیاه شده است. از خانواده اش می پرسم، می گوید: «دیگر روی خانه رفتن ندارم، پنج ماهه که نه دستمزدی داریم و نه نان برای خوردن.»

حسین، یکی دیگر از کارگران، می گوید: «پنج ماه کار فرما حقوق نداد و همین علت پرسم را، که مریش بود، نتوانستم بسدکتر بروم. تا اینکه مرد. حالا باز ۲ ماه است که حقوق عقب افتاده.»

اشک توی چشم موج می زند. با شروع موج بزرگ انقلاب یعنی شهریور ۱۳۵۷، کار فرما با انواع حيله ها اذنان دستمزد بکارگران خودداری کرد و هر چند ماه با بهانه های توانست از دولت وام بگیرد و بکارگران بپردازد. عدم پرداخت دستمزد بکارگران در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ چند بار باعث تصن و اعتراض شدید کارگران به اداره کار و امور اجتماعی و استانداری یزد شد، و هر بار کار فرما توانسته با استفاده از همین شرایط، واهی از دولت بگیرد و مقصداری از دستمزد بکارگران را پرداخت کند، هر چند که چگونگی خرج کسل و ام

اخبار و کارگری

معدنکاران ناحیه «گرما بدر» و مشکلاتشان

در شمال تهران و در میان کوه های البرز، سادن ذغال سنگ ریادی وجود دارد که بجز سادن شمشک و گاجره و اسیانا یکی دو تا، دیگر بقیه همگی خصوصی و از نظر حجم استخراج و وسعت معدن نسبتاً کوچکند.

یکی از معادن دایر در ناحیه «گرما بدر» (بالتر از قسم) قرار دارد. ذغالهای استخراج شده از این معدن، که روزانه در حدود گنجایش یک دمیون کبوسمی (۱۰ الی ۱۵ تن) است (البته این مقدار است که از منطقه خارج میشود، والا میزان استخراج روزانه مشخص نیست) برای استفاده سوخت کوره های آجرپزی قرچک به ورامین منتقل میشود. این ذغالها متناسب با جنس آن تنی ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ ریال می فروشند.

در معدن مذکور تنها ۱۰ کارگر کار میکنند، که این تعداد متناسب با حجم گسار و میزان استخراج زیادتر میشود. کارگران همگی اهل آذربایجان اند و تنها ۶ ماه از سال را در این منطقه کار میکنند و بقیه مدت رابه زادگاه خود بازمیگردند و افرادی دیگر جای آنها را میگیرند.

مزد روزانه معدنچیان که در قسمت بیرون (بارگیری - موتورخانه و...) کار میکنند ۲۰۰ ریال است، اما این دستمزد برای آنها بیکی در داخل، یعنی در تونل کار میکنند، ۱۰۰۰ الی ۱۳۰۰ ریال است.

استخراج کنندگان معمولاً به صورت کتراتی کار میکنند و در ازای هر متر مکعب استخراج (شامل کبوسمیری، آنتباری، حمل و نقل با واگن، چوببست و...) که ۲ روز طول میکشد، ۵۰۰۰ ریال دستمزد می گیرند.

این معدن دارای دو کارگاه استخراج است که در هر کارگاه ۳ نفر کار میکنند.

معدنکاران این معدن، بجز دریافت همین دستمزد ناچیز و استفاده از خانه های متروک معدن های قدیمی، تقریباً از هیچگونه مزایای قانونی کار برخوردار نیستند و از رعایت بهداشت و حفاظت محیط کار در این معدن، که کار فرما موظف به ایجاد آن است، خبری نیست، مثلاً:

این زحمتکشان فاقد حتی کمبهای اولیه پزشکی در منطقه هستند و اگر حادثه ای برایشان رخ دهد، میبایستی منتظر ماشین بماند تا آن به گرما بدر بروند.

ماسکی که معمولاً معدنکاران برای جلوگیری از استنشاق هوای کثیف و آلوده به گردوغبار از آن استفاده میکنند، در اینجا اصلاً پیدا نمیشود.

علاوه بر اینها، تقریباً تمام معدنکاران و حتی خود کار فرما نیز میدانند که استفاده از چراغهای کاربیت، که دارای شعله هستند، برای روشنایی معدن ذغال سنگ، باعث وجود گاز متان اکیدا متوع است، در حالی که نمونه هایی از استفاده اینگونه چراغها توسط کارگران مشاهده شده است.

زندگی این زحمتکشان بفاقت دردناک و اسفناکن است. آنها به امید جمع آوری پول بیشتر و ارسال آن برای خانواده خود، تقریباً تمامی چندماه را بدون وقفه و بدون استفاده از تعطیلی بکار میروانند.

از آنجا که هیچگونه دلخوشی و سرگرمی در منطقه نیست و کارگران نیز وقت بختش میروند، مجبورند که غیر از ساعات کار روزانه، بقیه وقت خود را نیز اضافه کاری کنند.

بهر حال آنچه که میتوان درباره وضع این زحمتکشان گفت، این است که:

آنها تنها کار میکنند و کار. بدون کوچکترین بهره ای از مواهب زندگانی.

کوه بوری در محیطی تنگ و خاک آلود، زیر هزاران تن سنگ و خاک...



تنها با خطر... ریزش خروارها سنگ را لاقبل چوب بستنی مانع نیست!

یزد مراجعت کرد، اظهار می داشت که پولی برای پرداخت حقوق معوقه و پاداش سالیانه وعیدی منتظر وام جدید نیست. این شخص مدعی بود که مستقیماً از طرف وزارت صنایع و معادن برای اداره معادن آمده است، ولی این اظهارات بنظر متناقض می رسد، چون اگر وزارت صنایع و معادن مستقیماً معادن را اداره کند، بالطبع حقوق و مزایای کارگران در تمام معادن و کارخانه های ملی شده این حقوق و مزایا توسط دولت پرداخت می شود، و اگر همچنان ناظر بر کار شرکت معدنی پرژام باشد، پس همچون محافظی برای جلوگیری از آسیب پذیری مالکین بکار می آید. آنچه مسلماً می توان دید، سابقه شرکت پرژام است، که همچنان بدنبال این شخص کشیده می شود.

کارگران همچنان با فقر دست بگریزند و کار فرما همچنان بر سر مراد سواد، با این تفاوت که کار فرما سهری پیدا کرده و زیر پوشش وزارت صنایع و معادن، اگر تا چندماه گذشته کارگران میدانستند از کی و کدام شرکت شکایت کنند و برای دریافت حقوق خود باید به

دست کار فرما و سهامداران شرکت از معدن کوتاه شود و امید میرفت که جهاد سازندگی قادر باشد بر این استثمار پس خانه پایانی بگذارد. ولی متأسفانه پس از چندی کار فرما توانست نظر وزارت صنایع و معادن را جلب کند، تا فردی را به نظارت در امور شرکت در یزد بکمارد. باین وسیله شرکت قصد داشت با فروش محصولات معدن همچنان چون بختک بر این منطقه تسلط داشته باشد. در ابتدای امر جهاد سازندگی از قبول این پیشنهاد سر باز زد. با این استدلال که معادن طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملی است و این معادن باید مستقیماً زیر پوشش و مالکیت حکومت اسلامی ایران قرار بگیرد. اگر هدف از ملی شدن تنها نظارت بر کار شرکتها باشد که در قدیم همین نظارت صورت میگرفت و چه با صحنه سازی ها و دفتر هزینه تشکیل دادن ها که در شرکت های سهامی بوجود آمد، برای فراد از مالیات. و این کار همچنان میتواند ادامه پیدا کند. و این بار برای فراد از پرداخت حق کارگران و برای فراد از پرداخت حق ملت.

دست کار فرما و سهامداران شرکت از معدن کوتاه شود و امید میرفت که جهاد سازندگی قادر باشد بر این استثمار پس خانه پایانی بگذارد. ولی متأسفانه پس از چندی کار فرما توانست نظر وزارت صنایع و معادن را جلب کند، تا فردی را به نظارت در امور شرکت در یزد بکمارد. باین وسیله شرکت قصد داشت با فروش محصولات معدن همچنان چون بختک بر این منطقه تسلط داشته باشد. در ابتدای امر جهاد سازندگی از قبول این پیشنهاد سر باز زد. با این استدلال که معادن طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملی است و این معادن باید مستقیماً زیر پوشش و مالکیت حکومت اسلامی ایران قرار بگیرد. اگر هدف از ملی شدن تنها نظارت بر کار شرکتها باشد که در قدیم همین نظارت صورت میگرفت و چه با صحنه سازی ها و دفتر هزینه تشکیل دادن ها که در شرکت های سهامی بوجود آمد، برای فراد از مالیات. و این کار همچنان میتواند ادامه پیدا کند. و این بار برای فراد از پرداخت حق کارگران و برای فراد از پرداخت حق ملت.

دست کار فرما و سهامداران شرکت از معدن کوتاه شود و امید میرفت که جهاد سازندگی قادر باشد بر این استثمار پس خانه پایانی بگذارد. ولی متأسفانه پس از چندی کار فرما توانست نظر وزارت صنایع و معادن را جلب کند، تا فردی را به نظارت در امور شرکت در یزد بکمارد. باین وسیله شرکت قصد داشت با فروش محصولات معدن همچنان چون بختک بر این منطقه تسلط داشته باشد. در ابتدای امر جهاد سازندگی از قبول این پیشنهاد سر باز زد. با این استدلال که معادن طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملی است و این معادن باید مستقیماً زیر پوشش و مالکیت حکومت اسلامی ایران قرار بگیرد. اگر هدف از ملی شدن تنها نظارت بر کار شرکتها باشد که در قدیم همین نظارت صورت میگرفت و چه با صحنه سازی ها و دفتر هزینه تشکیل دادن ها که در شرکت های سهامی بوجود آمد، برای فراد از مالیات. و این کار همچنان میتواند ادامه پیدا کند. و این بار برای فراد از پرداخت حق کارگران و برای فراد از پرداخت حق ملت.

جهاد سازندگی تنها بایک راه حل موافق بود و آن اینکه معادن مستقیماً توسط وزارت صنایع و معادن اداره شود

در حال حاضر، پس از آنکه نماینده کار فرما و به مبارت دیگر ناظر دولت به تهران برگشت و با توافقی که چندان آشکار نیست به



توان فرساست، ولی کار همیشه است!

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تنها چاره زحمتکشانش اتحاد است

از دهات فارس میگذریم، در منطقه گوار وارد باغ اناری فارس میشویم. در اینجا میبینیم که نزدیک به ۳۰ نفر از روستائیان باغ اناری در زمان اصلاحات ارضی شاکانه، هر یک فقط یک هکتار زمین خریدند. اینها میکنند که خواهان تقسیم زمین مالک بزرگ ده هستند که نزدیک به ۴۶۰ هکتار زمین دارد. این روستائیان درددل میکردند که تا چندی پیش از انقلاب همچنان مجبور بوده اند بابت سفته‌هایی که نزد مالک برای یک هکتار زمینشان داشته‌اند، پول پرداخت کنند و به برکت انقلاب از پرداخت آنها خودداری کرده‌اند. یکی از روستائیان با خشم میگوید: «ما میخواهیم بوسیله قانون مالک را متقاعد کنیم والا همین حالا هم مالک جرئت ندارد پاری زمین بگذارد». روستائیان هر یک پیش از ۱۵ ساله دارند و میگویند مالک در شرایط فعلی مملکت، که احتیاج به محصول است، بیش از ۳۰ هکتار زمین کشت نکرده است. یکی از روستائیان که ضرورت وحدت همه روستائیان را در مناطق مختلف جهت تحقق مبارزه‌ای کوهقانان

فراورده‌های کشاورزی امسال را باید نجات داد

دهقانان آسان کشت نکردند

در آرد و چهارمین نفر - جهان آغا، زنی روستائی را فقط به این «جرم» در خون خود فلانند که مردان در باغ پکنک میخوانند. در روزنامه به سادگی میخوانید که این چند نفر به این سبب بدست مزدور بزرگ مالک کشته شدند که در کشت زمینهای «ارباب» پیشقدم بودند. سراسر سال چنین بود و اکنون نیز چنین است. چه بسیار دهقانان به «جرم»هایی از این قبیل، که حق خود را طلبند، دادرزانه کشته شدند. زمین فسی خود را خواستند، زمین چندساله باغ و بدون کشت در شخم زدند، برای احقاق حق به تصدیر راهپیمائی و تقلم پرداختند، از محصول خود زمینهای کردند، شورا تشکیل دادند، به سازمان‌های دولتی و مراجع انقلابی مراجعه کردند، کمک گرفتند و پولی جمع کردند و بذر کود فراهم کردند، یا چاهی زدند، تراکتوری به کرایه گرفتند، و حتی به «جرم» آن که فقط درده ماندند، که جایی برای رفتن نداشتند و... اما چنانچه تیر بالا شدند، سر به نیست شدند!

این واقعت هولناک که زمینداران و زمین داران بزرگ و دستیاران آنها، شبانه روستاها و خانه‌های دهقانان را محاصره کردند، در تاریکی به تیراندازی و قتل عام پرداختند، سوختند و ویران ساختند و هر چه یافتند، بردند، کم اتفاق نیفتاده است. این موجودات پست و پلید خرمن هستی دهقانان را به آتش میکشیدند و خانه‌ها را بر سرشان میکوبیدند. تا مگر در روستاها تخم‌پاشی و ترس و هراس انداخته و به غارتگری چنانچه گناه خود بازم آدامسوهند. و این جنایت همچنان ادامه دارد. خرمن سوزی امسال هم شروع شد. شله‌های سرخ خرمن در کشتزارهای جنوب، از گندمهای تازه رسیده دشتستان زبانه کشید. تحفه شوم ضد انقلاب از نوبه بازار آمد.

دهقانان زحمتکش ایران کشت امسال را آسان بدست نیاوردند. در سراسر پاییز و زمستان گذشته، دهقانان همانطور که با گراز و مار و گرگها میجنگند، با صاحب چنانچه زحمتکش در افتادند، تا هفته زمینی بدست آورند، آنرا شخم بزنند و در آن فصلی بکارند.

این جنگ، جنگ زندگی با مرگ، جنگ انسان با دیو - با عاقل شیطان بزرگ - هنوز هم ادامه دارد. در یک سو دهقانان ستم‌پذیر و گرسنه‌ای با خاسته‌اند که برای زیستن و زندگی ماندن چاره‌ای ندارند جز آنکه زمین را بکارند و از این راه کشور را بدست خود کفای رسانند و پایهای استقلال ایران را استوارتر و محکمتر کنند. در سوی دیگر اربابان، بزرگ مالکان، خانها، بیگها، شیوخ، سردارها، سرمایه‌داران بزرگ ارضی و دستیاران کوچک و بزرگ آنها کمین کرده‌اند، که اگر زمین مال آنها نباشد، نمیخواهند و نمیگذارند حتی یک وجب از خاک ایران کشت شود. آنها میکوشند از این راه دهقانان را در پیکار مقدسشان به زانو در آورند و آرزو دارند گرسنگی و قحطی ستمهای انقلاب را به لرنه افکند و ضد انقلاب را به کرسی نشاند. سراسر پاییز و زمستان سال گذشته، فصل کشت پاییز و زمستانه، وضع بدین منوال بود و هنوز هم هست. همچنین حکایت آنان میکند که طی این مدت، بزرگ مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و دستیاران آنان با تلاش حیوانی و توطئه‌های چینی خود میکوشیدند تا دهقانان را به ستوه آورند، کشت را نابود سازند و سلطه جا برانه خود را شوهرت و چنانچه بابتی برقرار کنند. یکی از تازه ترین اخبار از روستای «قولیوق» نزدیک شیروان است. سراله بهادران، گروهان اخراجی ارتش، سه مرد دهقان را روز روشن با کلوله‌های پیاپی از پای

چماق‌داران زمیندار بزرگ و فئودال غارتگر اسماعیل کلا، روستائیان را مجروح ساختند

بدنبال مسدود حدود ۱۰۰ هکتار از زمینهای دو زمیندار بزرگ در روستای اسماعیل کلا، از توابع جویبار قائمشهر، توسط دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، عمال مزدوران زمینداران به روستائیان هنگام کشت زمین و شیار کردن حمله می‌کنند و ۱۵ نفر از آنها را بشدت مجروح می‌سازند. روز دوشنبه ۱۸ آذر ۵۹، عمده‌ای در حدود ۱۵۰ نفر از دهقانان روستای اسماعیل کلا، در محل دادگاه انقلاب اسلامی قائمشهر اجتماع میکنند و از دادگاه خواستار رسیدگی بوضع خود می‌شوند و همچنین از دادگاه میخواهند که فئودالهای مرتجع را به مجازات اعمالشان برسانند. ضمناً در روز اجتماع دهقانان در دادگاه قائمشهر، عمده‌ای از ایدئولوژی زمینداران بزرگ در داخل دادگاه نیز با چاقو و مشت و لگد به چند تن از دهقانان شاکه حمله ور میشوند و آنها را شدیداً ضروب می‌سازند. دهقانان حاضر در دادگاه شکایت دیگری تسلیم دادگاه میکنند و به عدم توجه مسئولین دادگاه به این امر نیز اعتراض میکنند.

یورش و توطئه فئودال و زمینداران بزرگ علیه جان و مال دهقانان زحمتکش تمامی ندارد. حوادثی که در روستاهای افسی نقاط کشور میگذرد، نشانگر تشدید مبارزه فئودالها و زمینداران علیه خواستهای بحق دهقانان تبه‌دست است. زمینداران بزرگ با چنگ و دندان از منابع طبقاتی خود دفاع میکنند و برای ادامه سلطه شیطنی خود از پای نمی‌کشند.

انقلاب شکوهمند ما نشان داده است که جامعه ایران دیگر نمیتواند بر اساس روابط تولیدی متکی بر منافع استثمارگرانه سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم اداره شود. ندای دهقانان برای دریافت زمین نهائی است که از بی‌بند و بست انقلاب برمیخیزد. باید به این ندا هر چه زودتر، با اجرای قاطع قانون اصلاحات ارضی، پاسخ مثبت داد تا در راستای انقلاب باقی ماند و ریشه هر گونه تشنج آفرینی را خشکانند.

دهقانان «خاصیان» زمینهای شرکت سهامی زراعی را بین خود تقسیم کردند

روستای خاصیان در بخش اسکوی تبریز قرار دارد. در این روستا ۱۷۰ خانوار زندگی می‌کنند. اهالی این روستا، بعد از «اصلاحات ارضی ملوکانه»، اراضی مزروعی را با اقساط ۱۵ ساله از دولت خریده بودند، که با تشکیل شرکت سهامی زراعی این املاک عملاً از دستشان خارج گردید. این شرکت کارش را در سه ورشته، یعنی کشاورزی، باغداری و دامداری آغاز کرد و قرار بود که دهقانان نسبت به سهم زمینی که داده‌اند، از درآمد شرکت بهره‌مند شوند. ولی سیاست ضددهقانی رژیم طاغوت از یک طرف و زودبندهای زمینداران بزرگ از طرف دیگر، در عمل چیزی جز زنجیر و زحمت برای دهقانان بجهت برداشت سرپرست این شرکت، که بخاطر خوش خدمتی‌اش در دستگاه رژیم مخلوع، به سرپرستی شرکتهای سهامی زراعی آذربایجان ارتقاء یافته بود، اکنون نیز مدیر کل اداره کشاورزی و عمران روستائی آذربایجان شرقی است. وی در آن هنگام روستائیان را اذیت و تهنید می‌کرد و در اثر آزار و اذیت همین شخص چند نفر مجبور به ترک ده شدند.

رژیم سرنگون شده از شرکت مزبور علیه دهقانان استفاده می‌کرد و بدین جهت کشاورزان بطور کلی با گردن دهقانان طاعتی مخالف بودند. بعد از پیروزی انقلاب، اهالی روستا تصمیم می‌گیرند زمینهای تحت کشت شرکت را بین خود تقسیم کنند و این کار را نیز بکنند. دهقانان متعهد ده به انجام می‌رسانند و سپس برای رسیدگی به وضع باغ و مجتمع دامداری و همچنین تصفیه افراد وابسته به رژیم گذشته، یک هیئت ۵ نفری انتخاب میکنند. ولی نمایندگان دهقانان پس از مراجعه به وزارت کشاورزی، با وعده و وعیدهای مدیر کل اداره کشاورزی آذربایجان شرقی رئیس سابق شرکت روبرو می‌شوند.

یکسال و اندی از انقلاب گذشته است؛ ولی هنوز سر نوشت مجتمع باغداری و رگوداری شرکت معلوم نشده است. دهقانان مسرانه از مقامات مسئول میخواهند که به خواستهای آنان توجه و رسیدگی کنند. خواستهای دهقانان را میتوان منجمله از این راهها بر آورده ساخت:

- ۱- تعیین تکلیف مجتمع دامداری به نفع اقتصاد کشور و کشاورزان. این کار میتواند توسط یک واحد دولتی که در اختیار وزارت کشاورزی باشد، یا توسط واحد تعاونی خود دهقانان انجام پذیرد.
- ۲- جلوگیری از فروش ماشین آلات کشاورزی و واگذاری آنها به جمع کشاورزان بر اساس کار تعاونی آنها.
- ۳- تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق از اداره کشاورزی و پایه‌گذاری نظام اداری بر اساس خدمت به منافع انقلاب و توده زحمتکش.
- ۴- رسیدگی به مسئله آبیاری و آبرسانی اراضی شرکت و لایروبی چاهها برای تامین آب زراعی.
- ۵- کمک به ایجاد تعاونی واقعی که بسود دهقانان عمل می‌کند و درست نقطه مقابل شرکتهای شه فرود باشد. در این تعاونی‌ها دهقانان همکاری و تشریک مساعی خواهند کرد و از کسبهای سازمانی و اداری و مالی و قرضی دولت نیز باید برخوردار شوند.

استاد رضا اصفهانی

دیدن سیر نوشت این انقلاب بستگی به حل مسئله ارضی دارد و شما برادرها خیلی این طرف و آن طرف رفتید و قوی شهرها و دهات مختلف این بحالت مستضعفانه اکثریت قریب به اتفاق مردم را رالس کرده‌اید. شما می‌داید که آنها در چه حالی هستند، من گاهی فکر می‌کنم و بیخود می‌گویم واقفاً این کشاورزها صبور هستند، خیلی تحمل دارند.

از سخنران استاد رضا اصفهانی در جمع سپاه پاسداران (صبح آزادگان، ۲۲ آذر ۵۹)

اخبار دهقانی

دست انحصارگران کوتاه!

روستای ده بید همایون اردکانی در نزدیکی اردکان قرار دارد. در این روستا مالکی صاحب یک باغ ۴۰ هکتاری است. وی در سال ۱۳۴۱، با کمک عوامل خود یک قات را بطور کامل در اختیار خویش گرفت و تمام آن را برای آبادانی باغ خود مصرف می‌کند. در این روستا ۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند، که این عمده برای اسرار ماش خود از چند جوی کوچک برای آبیاری باغهای کوچک خود استفاده می‌کنند. در اطراف این روستا زمین‌ها های بایر وجود دارد، که با کشت

چهار ساعت زندان در ازاء سالها نرولخواری

بعد از انقلاب، اهالی زحمتکش ارسنجان علیه مروتترین نرولخوار منطقه بدادگاه انقلاب شکایت کردند. این نرولخوار سالها شیره جان روستائیان و زحمتکشانشان را مکیده و از آنها لاشه‌ای باخروارها بدعکاری باقی گذاشته است. اهالی اخیراً علیه این نرولخوار بدادگاه انقلاب شکرانگیز شدند. دادگاه انقلاب حکم با نداشت نرولخوار را صادر کرد، ولی بعد از چهار ساعت بازداشت دستهای او را آزاد میکنند!

در حالیکه اکنون ضرورت حیاتی دارد که کلیه اصل فرغ بدی دهقانان نشود و اموالی که اینگونه غارتگران به جیب زده‌اند، به مصرف احیاء کشاورزی برسد.

فقر را ریشه کن کنید و زندگی را شکوفا!

روز جمعه ۲۹ فروردین ماه، یک دانش آموز سال سوم انسانی دبیرستان سرانه امیرکبیر، بنام محمد فتحی، احمل دهکده نوشای گوران، از کوزه‌های گزند غریب سقوط کرد و مرد. این دانش آموز دهقان زاده‌ای فقیر بود، که برای گذران زندگی خود و ادامه تحصیل، برای تهیه گیاه «بره‌ز» به کوه‌های کسرنه میرفت و از فروش این گیاه، مخارج زندگی و تحصیل خود را فراهم می‌کرد.

مرگ این دانش آموز اولین و شاید آخرین مرگ زودرس ناشی از فقر نیست.

در سالهای سیدت رژیم ضد خلقی شاه مخلوع، صدها نفر از کودکان و جوانان روستائی و دهقان زاده‌های کشور ما در گوشه و کنار کشور بملت فقر می‌رسند. در زمانی که این دانش آموز روستا زاده میبایستی در خانه یا در مدرسه یا قرائت‌خانه مشغول تحصیل و مطالعه کتب خود باشد، مجبور بود برای کسب لقمه نانی سر به کوهها بزند هر گونه خطری را بجان بخرد.

با تامین رفاه خانواده‌های روستائی، زمین را آماده کنیم تا استعدادهای شکوفا شوند. نگذاریم فقر آنها را بر سر کند.

دهقانان آسان کشت را به ثمر نمی‌رسانند

ندادند و اعضای فداکار آنرا در بیابان کشتند. این شیاطین، با لباس «روحانی»، «انقلابی» و «آزادیخواه»، دهقانان حق طلب را کوبیدند و هنوز هم میکوبند. این انگلها حتی از سوانح طبیعی - زلزله و سیل - بفرج خود و به زبان زحمتکش سودجویی کردند؛ علوفه دامداران را بردند و گوسفندان گرسنه خانواده‌های فقیر و ستم‌پذیر را به یکدوم قیمت از چنگشان دور آوردند و در مواردی با سوءاستفاده از آشفته‌کجاها و درماندگیها، مراتع دامداران را صاحب شدند.

دهقانان گرسنه و بی‌زمین، به زمین دست می‌افزند، با چنگ و دندان زمین را شخم می‌زنند و بذر می‌دهند آن میباشند؛ و تازه، در این مرحله از تلاش خستکی ناپذیر این قهرمانان بی نام و نشان بود که، دوران جدیدی از ظلمت‌های تاریک و پستی‌ها و جنایتها شروع شد. دشمنان سوگند خورده دهقانان زحمتکش تا آنجا که توانستند هر چه از سواپل کشاورزی، اترکتور و موتور پمپ و مانند آن بود، یا شکسته ضایع کردند، یا بزدند و پنهان ساختند. تا آنجا که مقدورشان بود آب را برای زمینهای کشت شده بستند، بذر کسود و سوم گیاهی ودایمی را احکام کردند، یا زمینها بردند و با استفاده از راههایی که میدانستند، اذعان و ام دولت به این دهقانان جلوگیری کردند. کار و قحاح چندان دامنه یافت که در بسیاری از روستاها سپاه پاسداران را از ده رانندند، پاسداران محلی و دزد آشنا را توهین کردند، بر ضد آنها به تحریک و تفتین و تبلیغ سوء پرداختند، افراد شریف و دلجو نهاد سازندگی را به ده راه

در چنین نبرد سهمگین زندگی و مرگ بود که، گروهی از دهقانان زحمتکش و سخت کوش توانستند در این یسا آن روستا به قطعه زمینی دست یابند، و در بهیچوجه چنین جنگ و ستیزی بود که، کشت پاییز و زمستان، به مراتب بیش از سالهای طاغوت، اجرا شد.

در گورداد چنین جنگ حیاتی بود که

محصولات امسال را باید نجات داد

به اهمال و مسامحه برگزار شود، زیانهای جبران ناپذیر ببار خواهد آورد و انقلاب پیروزمند ما را با خطری جدی مواجه خواهد کرد.

در این زمینه، وظیفه دولت و نهادهای انقلابی، در اساس عبارت است از:

- ۱- مراقبت از کشتزارها و حفظ محصول آن،
- ۲- کمک به جمع آوری و برداشت مطلوب فرآورده‌ها،
- ۳- تعیین حداقل قیمت فرآورده‌های اصلی کشاورزی و دامی و تضمین خرید آن.

(در این باره بازم سخن خواهیم داشت)

محصول کشاورزی امسال را باید نجات داد. محصول امسال با چنگ و دندان دهقان بدست آمده، با خون چکرا و اشک چشم زانو کودکان او آبیاری شده است. نجات محصول، یعنی نجات دهقانان زحمتکش از نیستی و سقوط.

محصول امسال را باید نجات داد. محصولات کشاورزی امسال رو بقیه خود کفائی ایران و تحکیم استقلال ایران در مقابل با امپریالیسم است. نجات محصول، یعنی نجات انقلاب ایران از دستبرد امپریالیسم و این وظیفه اساسی دولت و همه نهاد های انقلابی ایران است.

وظیفه اساسی دولت و همه نهادهای انقلابی ایران این است که، در این گورداد تجا و آزادی را به دست آورند و با نجات دهقانان و انقلاب ایران برسند و محصول امسال را بسود اقتصاد دهقانان زحمتکش در جهت تامین خود کفائی ایران به ثمر رسانند، و این وظیفه ایست که اگر اجرای آن دیر شود، یا

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند

برقراری اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه حزب توده ایران - سازمان بهشور درباره حملات عوامل ضد انقلاب

پهنال حملات مکرر عوامل ضد انقلاب به دفتر حزب توده ایران در شهرستان بهشور، سازمان حزبی در این شهرستان، ضمن صدور اعلامیه‌ای، حمله به دفتر حزب توده ایران را محکوم کرد و خواستار مجازات گردانندگان این گوشه واقع شد. در این اعلامیه که در ارتباط با آخرین حمله این عوامل به دفتر حزب توده ایران صادر شده آمده است:

در شرایط حساس کنونی که آمریکای جنایتکار، دشمن اصلی مردم ایران، مبنی انقلابی مبارز در معاصره اقتصادی قرار داده و بلندگوهای کشورهای امپریالیستی متحدا علیه انقلاب شکوهمند دست به تبلیغات دامنه‌داری زده‌اند و رژیم جنایت‌پیشه بهشت عراق مرزهای مارا به آشوب میکشد و عوامل رژیم گذشته و ضد انقلاب داخلی با تمام قوا میکوشند تا صفت متحد مردم را پاره کنند و به شیطان بزرگ آمریکا جبهه انفرادی رسانند، تفرقه افکنان با اسلح خود در چنین شرایطی دشمن را داد و به اتحاد مردم لطمه میزنند.

در این اعلامیه دموود حمله به دفتر حزب توده ایران در بهشور آمده است:

در روز دوشنبه ۵۹/۲/۱۵، پیمان‌های سخرانی فخرالدین حجازی، عده‌ای از عناصر نا آگاه به تحریک ضد انقلاب به دفتر نامه «مرد» و کتابفروشی که بسته بوده، حمله کردند و ضمن شکنج قتل و در آن، کلیه محتویات، اعم از کتب و نشریات و میز و صندلی و شیشه‌ها را مدموم ساخته و به نارت بردند و خسارات زیادی وارد کردند آنها سپس به دفتر انجمن جوانان حمله کردند.

دردناله اعلامیه اضافه شده است:

ما ضمن اعتراض شدید باین اعمال ضد انقلابی میهن‌سیم که جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی مربوط به کیست؟ آیا افعال ضد انقلابی آشکارا نقض رهنمودهای امام و دستور رئیس جمهور نیست؟ آیا اعمال ضد انقلابی در شرایط کنونی سود آمریکانست؟ در خاتمه اعلامیه آمده است:

دعا از مقامات فرمانداری و داستانی انقلاب اسلامی و مسئول سپاه پاسداران صراحت میخوانیم که این اعمال ضد انقلابی را هر چه زودتر محکوم کنند و در صدد دستگیری پرنامه‌ریزان و معرکین این خرابکاری برآیند و خسارات وارده را جبران کنند.



ضد انقلاب، از دفتر حزب توده ایران در شهرستان بهشور، ویرانه‌ای به جا گذاشت...

تفتیش عقاید در وزارت بهداری

مسئولین وزارت بهداری، ساواکی‌ها را به دلیل آنکه قبلا «تهدیه‌سره‌انده» (۱) در این وزارت خانه استخدام کردند؛ به دنبال تصمیم وزارت بهداری مبنی بر استخدام گروهی از لیسانس‌های بهداشت عمومی و بهداشت مدارس، تعدادی متقاضی به وزارت بهداری مراجعه کردند. برای امتحان از این داوطلبین، هفتی از این‌ها انتخاب شدند و لیستی از آن‌ها که این هیأت کار خود را شروع کند، یکی از معاونین وزارت بهداری از آن‌ها خواست

مستوفین وزارت بهداری، ساواکی‌ها را به دلیل آنکه قبلا «تهدیه‌سره‌انده» (۱) در این وزارت خانه استخدام کردند؛ به دنبال تصمیم وزارت بهداری مبنی بر استخدام گروهی از لیسانس‌های بهداشت عمومی و بهداشت مدارس، تعدادی متقاضی به وزارت بهداری مراجعه کردند. برای امتحان از این داوطلبین، هفتی از این‌ها انتخاب شدند و لیستی از آن‌ها که این هیأت کار خود را شروع کند، یکی از معاونین وزارت بهداری از آن‌ها خواست

نفتیش عقاید در وزارت بهداری

مسئولین وزارت بهداری، ساواکی‌ها را به دلیل آنکه قبلا «تهدیه‌سره‌انده» (۱) در این وزارت خانه استخدام کردند؛ به دنبال تصمیم وزارت بهداری مبنی بر استخدام گروهی از لیسانس‌های بهداشت عمومی و بهداشت مدارس، تعدادی متقاضی به وزارت بهداری مراجعه کردند. برای امتحان از این داوطلبین، هفتی از این‌ها انتخاب شدند و لیستی از آن‌ها که این هیأت کار خود را شروع کند، یکی از معاونین وزارت بهداری از آن‌ها خواست

بندینال این عمل، کسانی که از لیست حذف شده بودند، به مقام مذکور اعتراض کردند. در پاسخ اعتراض یکی از این افراد مبنی بر اینکه، چرا ساواکی‌ها را پذیرفته‌اید، ولی ما را نمی‌پذیرید؟ رئیس دفتر یکی از مسئولین وزارت بهداری گفت: «چون آن‌ها تهدیه‌سره‌انده»

به هر جهت اعتراض افرادی که از لیست حذف شده بودند منجر به تمییز تصمیم‌دهندگان شد اما مشروط به اینکه این افراد تهدیه‌سره‌انده، یزدو کاشان را بپذیرند. شرطی که به آن‌ها ظن «چپی» بودن شده است.

رئالی پاتنه از جنگال استعمار و در حال ساختن کشور خود بی‌خبر نگاه دارند. بی‌شک جای ایران در کنار همین کشورهای در حال ستیز با استعمار و استعمار و کشورهای استعمار را گسسته‌اند و در حال ساختن کشور مستقل خود هستند. و بهمین دلیل مردم ایران میبایست از رویدادهای واقعی مربوط به این کشورها با اطلاع شوند و نه تنها از تجربیات آنها در ساختن کشور خود را بطور متقابل در اختیار این نوع کشورها قرار دهند. این کمبود در حال حاضر شدیداً احساس میشود و برای رفع آن هر چه زودتر باید چاره اندیشی کرد.

جای ناسف است که پس از یکسال و اندی که از پیروزی انقلاب ایران میگذرد، هنوز مردم ایران بطور عام و به تفصیل در جریان رویدادهای کشورهای دوست ما در منطقه عربی خاورمیانه، که فاصله‌های بسیار اندک و سرنوشتی بسیار نزدیک به ما دارند، قرار نگرفته‌اند. این کمبود در باره دیگر کشورهای در حال ستیز با امپریالیسم و صهیونیسم نیز احساس میشود.

اگر ما در این تصویر که خبرگزاری‌های امپریالیستی برای ما از این رویدادها گزارش می‌دهند، سخت در اشتباهیم. آنها اگر خبری هم از این کشورها برای جهان مخابره کنند، حتما در جهت ایجاد نفاق بین کشورهای منطقه و در جهت منافع فارتگران است. مگر امکان دارد که خبرگزاری‌های زیرسلطه امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی برای ما خبری علیه اسرائیل جنایتکار مخابره کنند؟ مگر ممکن است در باره احساسات واقعی مردم لیبی، سوریه، الجزایر و خلق فلسطین درباره انقلاب ایران خبری مخابره کنند؟ مگر ممکن است آنها فیلمی از زندگی فم‌انگیز و معیشت‌بار مردم جنوب لبنان و خلق قهرمان فلسطین برای ما مخابره کنند؟ اگر بامید چنین روزی نشسته‌ایم، خام خیالیم. برای شناخت واقعی رویدادهای این کشورها و نظرانشان در باره انقلاب و خلق ایران و شناخت هر چه بیشتر چهره خبرگزاری‌های دروغ‌پرداز و نفاق‌افکن امپریالیستی این وظیفه نام‌برسانه‌های گروهی ایران، ام از رادبو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجله‌ها و دیگر وسائل ارتباط جمعی است که دست همت بالا بزنند و چاره‌ای برای رهائی از محاصره خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی بجویند. بعقیده ما هر چه سریعتر باید دفاتر خبری ایران حداقل در چند کشور دوست ما در منطقه خاورمیانه دایر شود. افرادی که برای کار در این دفاتر خبری بر گزیده میشوند باید مومن و وفادار به انقلاب

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

درجهان سوسیالیسم

کشاورزی رشد یافته در چکسلواکی

در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، محصول غله به نسبت هر هکتار، که در سالهای نخستین پس از جنگ ۱/۶ تن بود، اکنون به ۴ تن رسیده است. در همین مدت، میانگین شیر گاو از ۱۳۰۰ به ۳۰۰۰ لیتر در سال افزایش یافته است. کشاورزی چکسلواکی نیاز داخلی شیر، کره، تخم مرغ، طیور و تاحدی، گوشت را بکلی تأمین میکند. این کشور، حداکثر تا ۱۰ سال دیگر، از نظر تولید غلات، خودکفا خواهد شد.

درجهان سرمایه‌داری

آهنگ رشد تولید صنعتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری

جدول زیر آهنگ رشد تولید صنعتی را در سال ۱۹۷۷ به نسبت سال ۱۹۷۰ در برخی از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نشان می‌دهد.

کشور	درصد آهنگ رشد تولید صنعتی
ژاپن	۱۳۱
ایالات متحده آمریکا	۱۲۷
فرانسه	۱۲۶
جمهوری فدرال آلمان	۱۱۵
بریتانیا	۱۰۲
یادآور: میشلوم که یکبار همانند برای اتحاد شوروی، ۱۵۹ بوده است.	

رسانه‌های گروهی ایران را از چنگ خبر گزاریهای امپریالیستی نجات دهید

که خبرگزاری‌های امپریالیستی بوی داند و بمستور ساواک و دربار مشغول بهلوی و بارها از رسانه گروهی ایران این لقب بخش شد.

پس از گذشت زمان معلوم شد که اداره يك کشور در حال رشد را تنها با قتل میتوان بهمه گرفت و کشورهای چنین رشدی را طی میکند. روی این اصل است که همیشه ابادی استعمارشده داشته‌اند آتش‌نفاکی را بین لیبی و ممالک مسلمان برافروخته نگاه دارند. آتشی که خود بی‌گانه‌اند. حجت‌الاسلام خلخالی در باره سوریه نیز ضمن برشمردن خساراتی که این کشور در جریان جنگهای اعراب و اسرائیل متحمل شده است، گفت: «هنوز اسرائیل با تقویت ارتش خود در منطقه شب و روز جنگ و دندان نشان میدهد و دولت سوریه را میترساند، ولی قائل از آنکه در جنگ آینده نه چندان دور، بزرگترین ضربه را از دست‌خلاف اسد و سربازان نیرو سوریه خواهد چشید.»

خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی با کون بارها و بارها در باره اخوان المسلمین و فعالیت‌های آن در سوریه به سراسر جهان خبر مخابره کرده‌اند، بی آنکه اشاره‌ای به ماهیت آن بکنند و متأسفانه در رسانه‌های گروهی ایران مینا این اخبار نقل شده است. ماهیت این گروه را از جمله از قول حجت‌الاسلام خلخالی میتوان درک کرد نه از روی گزارش خبرگزاری‌های امپریالیستی و این هشدار دیگری است برای چاره اندیشی در جهت شکنج سد تحریف و دودغ و سنخ واقعات، که توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی در اطراف رسانه‌های گروهی ایران انقلابی بوجود آمده است. حجت‌الاسلام خلخالی در این باره گفته است: «صهیونیسم بین‌المللی برای نفاق افکنی در سوریه از وجود اخوان المسلمین و ساده‌لوحانی مانند آنها استفاده میکند و نفاق می‌افکند. از یکطرف اسرائیل‌دوی تپه‌های مشرف بهشور دمشق موضع گرفته و از طرف دیگر تروریسم، امام جماعت، قاضی و دکتر را ترور میکند و آنها چنان فکر میکنند که هرگز گردو میشود، مثلا چون ما در ایران ابادی ونوگران سر میرده صهرضا و امریکارا از بین برده‌ایم، بنابراین در سوریه هم با تقلید کورکورانه میخوانند موضع مستحکم حافظ اسد را ضعیف کنند. حال آنکه دانشمندان و دانشمندان و علمای مشغول کشور همه آگاهند که این ترورها سرنخی در تل‌آویو و یا واشنگتن دارد. با تمام توجه‌های سیا، موساد، صهیونیسم و امپریالیسم بین‌المللی، فلسطینیها با تلفک خود از جنوب لبنان میگذرند و وارد وطن خود میشوند و بزودی راه بزرگ و روشن فلسطین به روی شایان فلسطین باقر خواهد شد»

دردناله اعلامیه اضافه شده است:

ما ضمن اعتراض شدید باین اعمال ضد انقلابی میهن‌سیم که جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی مربوط به کیست؟ آیا افعال ضد انقلابی آشکارا نقض رهنمودهای امام و دستور رئیس جمهور نیست؟ آیا اعمال ضد انقلابی در شرایط کنونی سود آمریکانست؟ در خاتمه اعلامیه آمده است:

دعا از مقامات فرمانداری و داستانی انقلاب اسلامی و مسئول سپاه پاسداران صراحت میخوانیم که این اعمال ضد انقلابی را هر چه زودتر محکوم کنند و در صدد دستگیری پرنامه‌ریزان و معرکین این خرابکاری برآیند و خسارات وارده را جبران کنند.

واقعیت اینست که آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری غرب و واپس بر اساس يك برنامه دقیق طرح‌ریزی شده و با خرج میلیاردها دلار طی دهها سال، تقریباً تمامی وسائل ارتباط جمعی جهان سرمایه‌داری را قبضه کرده‌اند و با ترغیب‌های مختلف بسیاری از کشورهای جهان را مجبور به استفاده از اخبار و گزارش‌های این خبرگزاری‌ها کرده‌اند. در واقع باید گفت که بر اساس این ترغیب‌ها، میلیونها انسان جهان را از دید خبرگزاری‌های امپریالیستی میگردانند و اطلاعاتشان در حدودی است که این خبرگزاری‌ها از رویدادها و حوادث جهان مخابره میکنند.

این اخبار و گزارش‌ها، طبق برنامه تنظیم شده در آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری به حرات و رویدادها آظور نگاه میکنند که اربابان غارتگرشان میگردانند و بدان‌گونه خبر و گزارش مخابره میکنند که منافع اربابانشان تأمین شود. بی‌شک ملت ایران دیگر با اعتراضاتی که چقاوگران امریکائی و در وراس آنها کارتر، در روزهای اخیر در رابطه با خلیج فارس و انقلاب ایران کرده‌اند، میدانند که منظور از منافع آمریکا و غرب چیست. آمریکا در توجیه عملیات نظامی و بسیج نظامی خود در خلیج فارس و تهدید مستقیمی که این عملیات نظامی برای انقلاب ایران و تمامی خلقهای منطقه در برابر، اعلام داشته است که آمریکا برای حفظ «منافع ملی» خود و در واقع ادامه غارتگری جهان و از جمله منطقه خلیج فارس، از هیچ اقدامی، از جمله اقدام نظامی فرنگدار نخواهد کرد. و باز بر مبنای اظهارات سران آمریکا و از جمله کارتر، که این روزها در ارتباط با ایران بیانی سخن میگوید و چهره واقعی خود را بیش از پیش نشان میدهد، بسیاری از این خبرنگاران و خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی کارشان تنها تحریف واقعات و مخابره اخبار دودغ و جعلی برای ایجاد بلوا و آشوب در جهت اهداف

سازمانهای جاسوسی این کشورها نیست، بلکه مستقیماً برای این سازمانهای جاسوسی خبرچینی میکنند و حتی مأموریت مستقیم جاسوسی انجام میدهند.

تشکیل کنفرانس خبرگزاری‌های خاورمیانه‌های امپریالیستی و آمریکا لاین، یعنی دو منطقه جهان که آمریکا مستقیماً در آنها درگیر است و با جنگ و دندان میخورد که خود را در جهت غارت این کشورها حفظ کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اکنون سالهاست که خلقهای این بند رسته و خلقهای در حال نبرد با امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، به ماهیت واقعی این خبرگزاری‌ها و نحوه کار آنها پی برده‌اند. در بسیاری از این کشورها، پس از پیروزی انقلاب، تلاش‌گسترده‌ای برای شکستن سد خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی در برابر واقعات شروع شده و به نتایجی هم رسیده است. از جمله این تلاش‌ها از تحریم مطلق استفاده از اخبار مخابره شده توسط این خبرگزاری‌ها و یا کنترل بسیاری از اخبار این خبرگزاری‌ها و تطبیق آنها با اخبار دیگری که از خبرگزاری‌های کشورهای دیگر میرسد میتوان نام برد.

در همین کشورها اغلب پس از تحریم استفاده از اخبار این خبرگزاری‌ها و باز شدن درهای بسته به روی اخبار واقعی مربوط به رویدادهای جهان، مردم از مقایسه رویدادهای قبل از تحریم و بعد از تحریم خبرگزاری‌های امپریالیستی و صهیونیستی دچار شگفتی شده‌اند.

در بسیاری از این نوع کشورها، صالح‌ترین خبرنگاران و خبرگزاران از داخل کشور انتخاب شده و برای کسب خبر به دیگر کشورها اعزام شده‌اند. احتمالاً در استفاده از این شیوه، پاره‌ای رویدادها با تاخیر به آگاهی مردم آن کشور رسیده است، اما در موش اخبار واقعی در اختیار مردم قرار گرفته و آگاهی واقعی مردم درباره رویدادهای گوناگون جهان بالا رفته است.

در جهت همین تلاش برای رهائی از چنگال خبرگزاری‌های ماسود و امپریالیستی، خبرگزاری‌های نوپائی طی چند سال گذشته تأسیس شده است که اخبار «جهان‌سوم» و کشورهای تحت‌تسلیم امپریالیسم را مخابره میکنند. این خبرگزاری‌ها «ناناگور» نام دارد و تلاش میکند که آهسته آهسته از اخبار و به جهان مخابره کند که خبرگزاری‌های امپریالیستی به حد از مخابره آنها امتناع میکنند و با این سانسور سعی دارند مردم «جهان سوم» و دیگر خلقها را از رویدادهای کشورهای زیرسلطه استعمار و استعمار و اخبار مربوط به کشورهای

سازمانهای جاسوسی این کشورها نیست، بلکه مستقیماً برای این سازمانهای جاسوسی خبرچینی میکنند و حتی مأموریت مستقیم جاسوسی انجام میدهند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

پنج بال سپید نشسته به خون

پنج‌بلیک، همچون جرعه‌های خون، به آفتاب نهد و مثل زندگی خیز بیکرهای خود را در آسمان پراکنند. پنج‌بلیک، پنج‌بال سپید نشسته به خون، حکم آفتاب راه به مهتاب پاشیدند و خودسوز و باشتاب گذر کردند، همچون شهاب، همچون جرعه سلام آفتاب، سلام زندگی با تو در زایش آذرخیز خود، طپش‌های پرطنین پنج‌بال آشفته را که به خون آذین گرفتند، هم‌آمدی.



امروز بیست و هشت سال از شهادت پنج رفیق توده‌ای، محمد تقی اقدام دوست فومنی، علی بلندی صومعه‌سرای، هرمز نیکخواه رشتی، محبت‌خواه رشتی و سبزه‌علی محمد پورسامانی، میگذرد.

۲۶ سال پیش، در نیمه شب چنین روزی، رژیم سفاک و ددمنش رضاشاهی، برای سرکوب کردن هر چه پیشتر دشمنان خود، قندهار بندها و گزیمه‌های مسلح‌سپه‌دستان را، مستور و اوج پندجوی روانه زندان رشت کرد. هدف رژیم از این عمل آشکار بود. گزیمه‌های دون‌صفت شامخ‌سور و مستور داشتند که با پاهای گریزی، به صفوف زندانیان سیاسی حمله بردند و مبارزین مبنی راه گلوله پندندند. در آن روزها، تنها در زندان رشت، ۲۰۰ مبارز توده‌ای در زنجیر رژیم کودتا بودند. رژیم رسوا، که در وجود مبارزین توده‌ای، بسدستی دشمنان پیگیر و آشتی‌ناپذیر خود را تشخیص داده بود، تصمیم داشت با قتل‌عام و نابود کردن هر چه بیشتر این مبارزین، که مقاومت و پیکار خلق بودند، روحه استادگی و ستیز را به‌عصمت در مردم خفه کند.

چنین بود که گزیمه‌های مسلح بسدست، دیوانه‌وار و عیب‌دو، در نیمه شب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳، پس از چند روز تحریک و توطئه جنی و زخمه سازی، به ناگاه به زندان ریخته و زندانیان راه رگبار گلوله گرفتند. اما در درانجام توده‌ای‌ها، که نفس از تن گریخته‌شان توده‌ها گرفته بودند، دل‌ورانه در برابر این یورش سفاکانه ایستادگی کردند و آن‌را به صیقل دیگری از شکوه رژیم توده‌ای تبدیل کردند. یکی از صحنه‌های فروردین، در این سرخورد ناپرورد زندان رشت، هنگامی بود که

صدا زندانی، برای جلوگیری از اصابت گلوله به مسوولین حزبی، خود را روی آنان می‌انداختند و سهرت آنان می‌ساختند. یکی از شهدای این آورد گناه‌گوش و کلوله، رفیق محمد تقی اقدام دوست بود. او رهبری تشکیلات حزبی این منطقه را به عهده داشت. در دادگاهی که در سالن شهرداری رشت تشکیل شده بود، وی چنین گفته بود:

حزب توده ایران یگانگه حماسی و پشتیبان ما طبقه زحمتکش و محروم است و من افتخار می‌کنم که عضو آن هستم.

و هنگامی که وکیل مدافع خواست که جوانی او را وسیله گرفتن تخفیف از مجازات قرار دهد، رفیق اقدام دوست با اعتراض فرود آمدن سر برداشت.

من با علم و اطلاع کامل عضویت حزب پر افتخار توده ایران را قبول کردم و هیچ‌گونه ندامتی ندارم و با عمر دارم از حزب دفاع خواهم نمود.

او سپس به ده سال زندان محکوم شد. در محروم‌کن توزه مسلح‌سپه‌دستان مست به زندان رشت، رفیق اقدام دوست همراه با چهار رفیق دیگر، در حالیکه فریب زنده‌باد حزب توده ایران، ملت پیروز است، پیروز باد... سر داده بودند، به شهادت رسیدند.

غرض‌مندان گسخته و دشمن‌خوی مسلح‌ها، کاکل‌سز این پنج بیکر دلیرا به خون نشاند و آشفته کرد، غافل از آنکه این فریب‌پر شوکت آینده‌خیز، نه تنها خاموش نخواهد شد، بلکه نیرومندتر، آگاه‌تر و آبدیده‌تر، با توانی نفس گرفته از خشم و خروش توده‌ها، از دروازه آسمان قیرگون شب، به آفتاب خواهد نشست.

در پی انقلاب شکوهمند و دوران ساز مردم ایران، سال گذشته دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی ایران، حاملین این بنیاد فیج را در برابر عدالت خلق نشاند و بدینسان، پس از گذشت بیش از یک ربع قرن، به‌ادامه‌خواهی از این پنج قامت نازنین شهید توده‌ای برخاست.

جاودان باد خاطره تابناک پنج رفیق شهید توده‌ای، محمد تقی اقدام دوست فومنی، علی بلندی صومعه‌سرای، هرمز نیکخواه رشتی، محبت‌خواه رشتی و سبزه‌علی محمد پورسامانی.



مسابقات بین‌المللی جام تختی در تهران

اولین دوره مسابقات بین‌المللی جام تختی از روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در ورزشگاه دوانه هزار نفری آزادی آغاز خواهد شد. در این دوره از مسابقات ۶ تیم از ایران و چند تیم خارجی شرکت خواهند داشت. از تیم‌های شرکت‌کننده در این دوره تاکنون ساعت ورود چهار تیم مشخص شده است، تیم کشتی آزاد رومانی در ساعت ۲۱ روز یکشنبه، تیم کشتی اتحاد جماهیر شوروی در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روز شنبه، تیم کشتی آزاد جمهوری خلق چین در ساعت ۱۲/۵ روز شنبه و تیم کشتی آزاد مجارستان در ساعت ۷ صبح روز شنبه وارد تهران خواهند شد.

همچنین برای بزرگداشت و تجلیل از جهان پهلوان تختی از طرف فدراسیون کشتی ایران از دوستان قهرمان وی دعوت بعمل آمده است تا در این دوره از مسابقات حضور یابند. این قهرمانان عبارتند از:

یوریس کولایف، آناتولی آبلول، یوریس گورویچ، الکساندر مدوید از شوروی، عصمت آتلی، حسن کتور، احمد آلیک از ترکیه، پتکوف سیراگوف، سپید مصطفی اف از بلغارستان، پالم از سوئد، و ول فرید دیتیش از آلمان فدرال.

فیدل کاسترو...

بقیه از صفحه ۱

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، در دیدار با خبرنگاران، اظهار داشت که آمریکا تصمیم گرفت که یک مانور نظامی انجام دهد که یکی از مراحل آن پیاده کردن نیرو در پایگاه نظامی آمریکا، گوانتانامو، در سرزمین کوبا بود، که بطور غیر قانونی همچنان آمریکا آنرا در اختیار دارد. دولت آمریکا همچنان سیاست ضد کوبایی خود را ادامه میدهد و جنبه تجاوزکارانه این سیاست را تشدید میکند. این سیاست در دوران برگزاری کنفرانس کشورهای غیرمتشبه در هاوانا بخوبی مشاهده شد. تبلیغات شدیدی در مورد حضور واحدهای نظامی شوروی در خاک کوبا برای آماده‌سازی ما انگار نیکیتی که همدسال است که گروهی از کارشناسان نظامی شوروی در کوبا هستند. دولت آمریکا از این تبلیغات برای تشکیل و استقرار واحدهای نظامی ویژه در کراوستو استفاده کرد. آمریکا نیروهای واکنش سریع تشکیل داد و کوبا را مورد تهدید تجاوز نظامی قرار داد. سال گذشته در پایگاه گوانتانامو یک مانور نظامی انجام داد و این اقدام یک تهدید نظامی مستقیم علیه کوبا بود، که نمیتوانستیم آنرا تحمل کنیم. ما هم تصمیم گرفتیم که نیروهای مسلح خود را به حال آماده‌باش درآوریم.

این امر برای مردم کوبا و همبستگی بین‌المللی یک پیروزی است. اما تصمیم درباره برگزاری نمایشات به پیشنهاد اعتراض علیه مانور نظامی، علیه پایگاه نظامی آمریکا در گوانتانامو و عملیات جاسوسی آمریکا علیه کوبا بر گزار میشود. اگر دولت آمریکا اعلام کند که محاصره اقتصادی را قطع میکند، پایگاه نظامی در گوانتانامو را منحل میکند و به پروازهای جاسوسی علیه کوبا خاتمه میدهد، ما هم تظاهرات علیه آمریکا را لغو خواهیم کرد. آمریکا سرانجام باید واقفیت کوبا را درک کند. باید به کوبا احترام بگذارد. آمریکا مانور نظامی را لغو کرده، ولی بخود حق میدهد که هر وقت بخواهد به چنین مانورهایی دست بزند، لغو میکند.

از سخنرانی طاهر احمدزاده در گردهم آیی انقلاب فرهنگی اسلامی: برای انقلاب فرهنگی باید مناسبات اقتصادی - اجتماعی را دگرگون سازیم

در مطبوعات کشور

این اخلاق انقلابی را کسی به‌زور به مردم تحمیل نکرد و این زهرکات انقلاب بود اما بعد از هفتاد و یک سال انقلاب متوقف شد، به‌تدریج فرهنگ امپریالیستی راه‌آباد، احتکار، مواد مخدر و خوشگذرانی‌ها دوباره احیا شد. ماهه این‌ها را به گردن امپریالیسم و ضدانقلاب انداختیم، خافیل از اینکه زمینه‌های اصلی از کودتا انقلاب حاصل شده بود.

احمدزاده گفت: برای انقلاب فرهنگی باید مناسبات اقتصادی، اجتماعی حاصل را که فرهنگ امپریالیستی را تقویت می‌کند، دگرگون سازیم، نظام شورایی اسلامی را برقرار کنیم، در همه شئون جامعه هنگامی که اندیشه و اراده آزاد شد، فرصت تجلی و تکامل پیدای کند. هم‌زمان با این کار دگرگونی در نظام آموزشی حاصل شده بود.

این سخنرانی به این معنا منظور باشد، باکی از بسته بودن دانش گاه‌ها و رفتن دانشجویان به روستاها نیست، ولی اگر انقلاب فرهنگی به معنای تغییر مناسبات اقتصادی اجتماعی، بلکه در عمل منظور تحکیم سلطه جناحی بر جناح دیگر باشد، آنوقت ما با جامعه روبرو خواهیم شد.

احمدزاده آنگاه گفت: «اگر انقلاب فرهنگی به این معنا منظور باشد، باکی از بسته بودن دانش گاه‌ها و رفتن دانشجویان به روستاها نیست، ولی اگر انقلاب فرهنگی به معنای تغییر مناسبات اقتصادی اجتماعی، بلکه در عمل منظور تحکیم سلطه جناحی بر جناح دیگر باشد، آنوقت ما با جامعه روبرو خواهیم شد.»

پربطیق مبارزهای انقلابی جامعه آغاز می‌شود.

احمدزاده آنگاه گفت: «اگر انقلاب فرهنگی به این معنا منظور باشد، باکی از بسته بودن دانش گاه‌ها و رفتن دانشجویان به روستاها نیست، ولی اگر انقلاب فرهنگی به معنای تغییر مناسبات اقتصادی اجتماعی، بلکه در عمل منظور تحکیم سلطه جناحی بر جناح دیگر باشد، آنوقت ما با جامعه روبرو خواهیم شد.»

پربطیق مبارزهای انقلابی جامعه آغاز می‌شود.

احمدزاده آنگاه گفت: «اگر انقلاب فرهنگی به این معنا منظور باشد، باکی از بسته بودن دانش گاه‌ها و رفتن دانشجویان به روستاها نیست، ولی اگر انقلاب فرهنگی به معنای تغییر مناسبات اقتصادی اجتماعی، بلکه در عمل منظور تحکیم سلطه جناحی بر جناح دیگر باشد، آنوقت ما با جامعه روبرو خواهیم شد.»

سنتوی قدیم، سنتوی جدید!

کارت می‌کوشد تا بهسران این کشورها بقولاند که تنها راه نجات و سلامت انسان در برابر دخطر مسکو، گرایش آنان به سوی غرب‌پویانه بردن به آمریکا خواهد بود. در غیر اینصورت برای امنیت منطقه هیچ‌گونه تضمینی وجود نخواهد داشت.

کارت در خطابه خود از یک نیروی جدید سخن می‌گوید، در واقع هدف اصلی کارتس در این سیاست جدید تشکیل یک سنتوی جدید در خاورمیانه است. بنازگی تفتی‌های از طرف مشاور امنیتی کارتس، برزیسکی تهیه شده که در آن خطوط همکاری کشورهای منطقه را مین می‌کند و بر اساس این طرح در کشورهای آمریکا، آفریقای شمالی، خاورمیانه و آسیای جنوب غربی یک چتر وجود خواهد آمد که در زیر این چتر امنیتی که با قراردادهای مشترک با کشورهای منطقه وجود می‌آید، مصر، اسرائیل، اردن و عربستان سعودی قرار می‌گیرند. دولت ترکیه که ماه گذشته با آمریکا قرارداد همکاری دفاعی دو جانبه منعقد ساخته است و همچنین ژنرال شیاء الحق چهارمصد میلیون دلار کمک مالی آمریکا را ناچیز شمرده و سافشاری برای کمک بیشتر نموده - هر دو حالت نشان‌دهنده گرایش پاکستان و ترکیه به سوی یک پیمان سازمان جدید با آمریکا می‌باشد. آمریکا درصدد است که در آینده نزدیک چنین سازمانی تشکیل دهد. ترجمه از مطبوعات ترکیه (جمهوری اسلامی، ۲۲ اردیبهشت)

بیکاری در آمریکا

● آمریکا تاکنون در سایه صادرات، نرخ بیکاری شصتی داشته ولی از این بهمد چنین نخواهد بود.

● کارتس مذبح‌ها نمی‌کوشد با تقلیل نرخ بهره تورم را کاهش دهد.

● در آخر ماه آوریل ناگهان ۸۲۵۰۰۰ نفر بیکار شدند و تعداد بیکاران به ۷۳۰۰۰۰ نفر رسید.

(آزادگان ۲۱ اردیبهشت)

فیدل کاسترو در سخنرانی خود به روابط ایران و آمریکا نیز اشاره کرد. کاسترو گفت: هر ایران یک انقلاب حقیقی روی داده است. ما موافق حقیقی که نسبت به این انقلاب ابراز همبستگی کنیم. اگر آمریکا بخواهد سی و پنج میلیون اهالی ایران را از گرسنگی خفه کند، کشورهای عضو او یک حق دارند که صدور نفت به آمریکا را قطع کنند. برای کشورهای صادرکننده نفت، برای کشورهای غیرمتشبه و برای به اصطلاح جهان سوم روزهای آزمایش فرا رسیده است. فیدل کاسترو در پایان سخن رانی خود گفت: «باید بکشار میهن‌پرستان آل سالوادوریان داده بشود. آل‌سالوادور به حمایت و همبستگی گسترده بین‌المللی نیاز دارد. باید همه آمریکا از این کشور کوه شود»



هشدار به شورای انقلاب

دست در روزهای پس از شکست نسبی طرح توطئه وهسی که آمریکا برای سرنگونی رژیم انقلابی ایران ریخته بود، خسر می‌رسد که در چینه تعلقه از کشور تعدادی از اتباع خارجی توسط مراجع مسئول دستگیر می‌شوند. پاسخ یک اکپ ۲۲ نفره اتباع کشورهای مختلف به توجیه جواب این سوال کمپوز ورود آنان به ایران چه بوده آن است که در پاکستان موفق شدیم که یکساعته ویزای ورود به ایران را بگیریم. این خبر از اسفهان بود. خبر دیگری حاکی است که در اردکان یزد پس از آنکه دو نفر باسامی

فیدل کاسترو گفت: دخطر تجاوز از جانب آمریکا همچنان وجود دارد. ایالات متحده آمریکا در نظر داشت که جریان مانور نظامی بنادر کوبا را من- گذاری کند. حتی صحبت‌محاصره دریائی کوبا در میان بود. البته امروز اجرای چنین برنامه‌هایی دشوار است. اما ما باید آماده باشیم. ما هم برنامه‌های خود را برای روبرو شدن با هرگونه محاصره‌ای تهیه کرده‌ایم. بگذار بدانند که کویا بقایب نشینی نخواهد کرد. خلق کوبا هرگز تسلیم نخواهد شد. مسئولیت اوضاع متعج در این منطقه به‌عصمه آنها- نیست که گوانتانامو را پایگاه نظامی کرده‌اند و در اشغال خود دارند. با آنها نیست که کویا، نیکاراگوآ و گرانادا را به‌دخاله نظامی تهدید میکنند. ماهیچگاه در برابر امپریالیسم بزانو در- نخواهیم آمد»

قرارداد مجتمع...

بقیه از صفحه ۱

اینک مقامات رسمی اعلام میدارند که هزینه طرح به ۵۰ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. چرا برای اینکه برخلاف مواد قرارداد، طرف ایرانی هزینه آبرسانی به مبلغ پانصد میلیون دلار و تسلیع هزینه احداث پالایشگاه گاز مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار را راساً به عهده گرفته است.

۲- طبق قرارداد، طرف ایرانی متعهد شده که مساحه خام، یعنی گسائی مسود نیاز مجتمع پتروشیمی را به ازاء هر فوت مکعب ۲ سانت از تاریخ بهره‌برداری به مدت ۱۲ سال به شرکت نامبرده تسویل دهد. قرار بر این بوده که گاز سرچاه تحویل گردد و هزینه سرمایه‌گذاری برای تصفیه و حمل و نقل آن به عهده شرکت باشد. انصاری‌های ژاپنی با توجه به هزینه سنگین تصفیه و حمل‌گاز، از قبول این ماده از قرارداد خودداری کردند و اجرای آنرا به عهده طرف ایرانی گذاردند.

شرکت ملی پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری در تصفیه گازو حمل آنرا راساً به عهده گرفت و تا انقلاب میلنی در حدود ۸۰۰ میلیون دلار صرف این طرح کرده که در مرحله نهائی هزینه آن به ۱/۲ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

جالب است که طرف ژاپنی تاکنون درباره قیمت گازی که باید به مجتمع پتروشیمی تسویل گردد، موافقتی با وزارت نفت به عمل نیاورده است. به بیان دیگر، قیمت گاز، طبق قرارداد، همان ۲ سنت برای هر ۱۰۰ فوت مکعب باقی است.

در اینجا باید متذکر شد که منظور از این گازها که به عنوان ماده خام باید مورد استفاده قرار گیرد، گازی نیست که مساحه صادر می‌گردد. گاز طبیعی ویا گاز همراه نفت دارای مواد ذقیقیمی چون متان، اتان، پروپان و بوتان و غیره است. گازیکه مسا

در قرارداد گفته میشود که قیمت محصول نهایی باید بطوری تعیین گردد که با احتساب کرایه حمل و نقل از ایسران به ژاپن و حقوق عوارض گمرکی، قابل رقابت در بازار ژاپن باشد. این بدان معنی است که قیمت محصول تسویل شده به انصاری‌های ژاپنی میتواند حتی از قیمت تمام‌شده آن نیز کمتر باشد. زیرا اولاً کرایه حمل، که کمپانی‌های ژاپنی تعیین میکنند، گران است. ثانیاً، دولت ژاپن مجاز است تا ۱۶ درصد ارزش کالا، حقوق گمرکی دریافت دارد. میتوان مقایسه مکوس به عمل آورده قیمت محصول تسویل شده به انصاری‌های ژاپنی عبارت خواهد بود از قیمت آن در ایران

رویا

را میتوان از تمام کیوسکهای فروش نشریات خرید

منتهای کرایه حمل و حقوق گمرکی، با در نظر گرفتن اینکه قیمت مواد خام، یعنی گاز تقریباً ستر است، میتوان به ماهیت استعداری این قرارداد پی برد.

۳- مهم‌ترین مسئله، استفاده از محصول نهائی مجتمع پتروشیمی در ایران است. قرار بر این بود که هر روز با ساختن این مجتمع عظیم، صنایع دیگر چینی برای استفاده از محصول مجتمع پتروشیمی به عنوان ماده اولیه ایجاد گردد. ولی رژیم دست‌نشانده شاه مخلوع کوچکترین گسائی در این زمینه نبرداشت. لذا ایلی اتیلن ویلی- پروپیلن بطور عمده باید به خارج حمل ویس از تبدیل آنها به مواد پلاستیک، دوباره جهت استفاده به ایران وارد شود. در طرح اولیه در نظر گرفته شده بود که این مجتمع مقداری ایلی اکریل (برای الیاف مصنوعی) که مورد نیاز بازار ایران است و از ژاپن وارد میشود، تولید کند. ولی کارشناسان ژاپنی این برنامه را به علت «اقتصادی نبودن» از برنامه حذف کردند.

چنین است فقط گوشه‌ای از یک قرارداد نواستعداری به‌سود کشور نیست و باید ملاحظی گردد.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

نارسائی در امر توزیع سیمان در قائم شهر

برای توزیع سیمان قائمشهر هنوز هیچ ضابطه مشخصی تعیین نشده است و این مسئله نادرستی فراوانی را در مردم ایجاد کرده است.

اخیراً در قائمشهر شرکتی به نام «شرکت تهیه و توزیع گچ و سیمان قائمشهر» ایجاد شده است که گچ و سیمانی که به قائمشهر وارد می شود توسط این شرکت توزیع می گردد. با اینکه یک نفر از طرف شورایی شهر قائمشهر برای نظارت بر کار این شرکت و چگونگی توزیع سیمان تعیین شده است، اما هنوز در امر توزیع سیمان هیچ ضابطه مشخصی تعیین نگردیده است. به همین جهت مردم هر روز مجبورند برای خرید سیمان جلو این شرکت اجتماع کنند و سپس پس از آنال کالیبرن حامل سیمان به هنگام مر و به پروند و سیمان خود را با بستن صف دریافت کنند.

ما از مقامات مسئول می خواهیم که هر چه زودتر به امر توزیع سیمان در شهر قائمشهر رسیدگی کنند و اجازه ندهند که ضابطه انقلاب بهانه دیگری برای رسیدن به اهداف شوم خود پیدا کند.

کوتاه کردن دست واسطه های سیمان در شیراز

مسئولین دولتی در شیراز، به منظور کوتاه کردن دست واسطه ها، توزیع سیمان را در این شهر راساً برعهده گرفتند.

بر اساس اطلاع رسیده اخیراً مقامات دولتی در شیراز همه روزه مقدار مشخصی سیمان میان خریداران توزیع می کنند. البته محدودیت میزان سیمان باعث شده است که به هر خریدار تنها یک کیسه سیمان عرضه شود که کفاف ولی به جهت این کار باعث کوتاه شدن دست واسطه ها و رسیدن سیمان به دست مصرف کنندگان با قیمت عادلانه ای شده است.

خریداران سیمان در شیراز ضمن تأیید این عمل، خواستار افزایش میزان سیمان عرضه شده و گسترش این کار در سطح استان فارس شده اند.

نامه مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکسی: ۲۱۴۰۸۱ TPI IR
چاپ: کلویان

MARDOM
No. 233
13 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.



رویدادهای جهان

تظاهرات دانشجویان پاکستان علیه رژیم ضیاءالحق

بدنبال تظاهرات دانشجویان در دانشگاه پزشکی راولپنڈی، دولت نظامی پاکستان این دانشگاه را برای مدت نامعلوم تعطیل کرد. دانشجویان این دانشگاه در دو هفته اخیر بارها علیه سیاست کشور برآمده ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان دست به تظاهرات زده بودند. دولت پاکستان تلاش دارد که تظاهرات دانشجویان را که علیه رژیم ضیاءالحق صورت میگیرد، به مسائل سیاسی مانند «مسئله اداری» و «برنامه امتحانات (۱)» نسبت دهد.

همکاری نظامی آمریکا و چین گسترش می یابد

در پی گسترش همکاری های نظامی آمریکا و چین، لیبوا کینگ، رئیس ستاد ارتش چین، برای مذاکره با رهبران نظامی آمریکا وارد واشنگتن شد. قرارداد رئیس ستاد ارتش چین با رهبران نظامی آمریکا درباره مسائل تسلیحاتی مذاکراتی انجام دهد. همچنین رئیس ستاد ارتش چین در واشنگتن مقدمات سفر تزاریب نخست وزیر چین به آمریکا را فراهم میکند.

در پی دیدار هارولد وینستون و وزیر دفاع آمریکا از چین، که سال گذشته صورت گرفت، ناظران سیاسی اعلام کرده بودند که همکاری های نظامی آمریکا و مائوئیست های چین گسترش خواهد یافت.

اوضاع اقتصادی ایتالیا روبه وخامت می رود

اوضاع اقتصادی ایتالیا در حال جاری ماندن سال گذشته همچنان روبه وخامت می رود. این کشور سرمایه داری نیز مانند دیگر کشورهای سرمایه داری، با تورم فزاینده و بی کاری دست به گریبان است.

پناه به گزارش کارشناسان اقتصادی ایتالیایی، انتظار می رود که تورم تا پایان سال جاری با سرعت بی سابقه ای افزایش یابد.

از سوی دیگر پناه به گزارش همین کارشناسان، کسادی اقتصادی در جهان سرمایه داری دامنگیر ایتالیا نیز شده است و شمار بیکاران در ایتالیا هر روز افزایش می یابد. فساد و رشوه خواری در دستگاه های دولتی ایتالیا نیز بگونه ای چشمگیر افزایش یافته است.

اعتصاب کارگران پاکستان بعنوان اعتراض به تورم و اخراج بی رویه کارگران

۱۸ هزار تن از کارگران در کشمیر پاکستان بعنوان اعتراض به تورم و اخراج بی رویه کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران همچنین به دستگیری چند تن از رهبران اتحادیه ای اعتراض داشتند. گزارش های رسیده نشان میدهد که کارگران اعتصابی موفق شده اند به خواستهای خود برسند. و کارگران بازداشت شده آزاد گردیده اند.

پاکستان ارسال اسلحه برای ضد انقلابیون افغانی را افزایش میدهد

به گزارش منابع آگاه پاکستان، رژیم ضیاءالحق تصمیم گرفته است که در آستانه کنفرانس وزیران خارج کشورهای اسلامی در این کشور، ارسال اسلحه برای ضد انقلابیون افغانی را افزایش دهد. این تصمیم پوینده در پی دیدار اخیر ضیاءالحق از یکن نجیب توجبه می کند.

گفته میشود که هواپیماهای آمریکایی مقادیر زیادی سلاح در اردوگاه های افغانی هادر پشاور و پاکستان تخلیه کرده اند. مقادیر زیادی سلاح ها ساخت کشورهای سوسیالیستی اروپا است. اسرائیل این سلاحها را در جنگ های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با اعراب به قیمت گرفته بود و در راههای اخیر، مقادیر زیادی از این سلاحها را تمویل سازمان سها داده است. تا به اردوگاه های پشاور حمل شود.

گسترش فعالیت عمال «سپا» در کشورهای عربی و خلیج فارس

نشریه بیروتی «الاقاعده» فاش کرد که در حته های اخیر شمار زیادی از «تجارت» و «پژوهشگران» آمریکایی از پایتخت های کشورهای عربی و خلیج فارس فرار کرده اند. این افراد که سعی میکنند فعالیت هایشان محرمانه باشد، با کسانی که سالها با سازمان سیا ارتباط داشته اند، تماس های گسترده برقرار کرده اند.

به نوشته «الاقاعده» در واقع این «تجارت» و «پژوهشگران» همان عوامل سازمان سیا هستند که تحت این عناوین از کشورهای منطقه دیدن کرده و در پاکستان سعودی و عمان را به پایگاه های عمده فعالیت خود تبدیل نموده اند.

به نوشته این نشریه، کلا روشن است که ایران تنها هدف این جاسوسان نیست. در کشورهای حوزة خلیج فارس اعضای سیا و عوامل آن تلاش دارند که یک شبکه خرابکاری بسیار پیچیده ایجاد کنند، عوامل خود را استخدام کنند و برای خرابکاری به ایران و دیگر کشورهای منطقه بفرستند و علیه رژیم هایی که باب طبع آمریکا نیست، فعالیت کنند.

تشکیل کنفرانس همبستگی با مبارزه مردم کرانه غربی اردن

در پی اخراج سه مقام برجسته عرب از کرانه غربی رود اردن بوسیله مقام های اسرائیلی، یک کنفرانس همبستگی با مبارزه مردم کرانه غربی رود اردن در بیروت تشکیل شد. که در آن دبیر کل حزب کمونیست لبنان و شخصیت های عربی فلسطینی شرکت داشتند.

در این اجلاس سخنرانان سیاست فساد و سرکوب مردم کرانه غربی رود اردن بوسیله اسرائیلی ها را شدیداً محکوم و اعلام کردند که اسرائیل با حمایت آمریکا این چنین بی شرمانه دست به سرکوب فلسطینی ها زده است.

اوردیاد، مقام برجسته فلسطین، در سخنان خود گفت که بسیاری از کشورهای عرب فقط در ظاهر از اسلام سخن میگویند. او یاد اضافی کرد که اسلام موقی برای این کشورها مطرح میشود که لجن پاشیدن به اتحاد شوروی مطرح باشد و هنگامی که فلسطین مطرح میشود، اسلام نیز فراموش می گردد.

رژیم عربستان سعودی در خدمت اسلام آمریکایی

سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب (سعودی) با چاپ و پخش ویدیو به افشاکاری در مورد رژیم عربستان سعودی پرداخته و تا کنون گفته است که این رژیم در خدمت اسلام آمریکایی است.

در این ویدیو، با اشاره به اینکه رژیم سعودی به «مفسدترین و پلگترین سرزمین های اسلام» میلطاست، آمده است.

«... خطر بزرگ این رژیم ها ناشی از آن است که چهره کریم خود را زیر ماسک اسلام و پوشش دین می پوشانند... و رسانه های گروهی آن رژیم با مطرح کردن شعارهای اسلامی فریبنده دست به نیرنگ بزرگ میزنند، و طوطیان رژیم فرعون سعودی بر خود لقب دینی دروغینی می گذارند... این رژیم ها سعی می کنند خود را قیم بر مسلمان و اسلام در جهان قلمداد کنند... و بواسطه آن در تقاطع از ممالک اسلامی مرکزها و تشکیلاتی تأسیس می نمایند...»

در این ویدیو همچنین اضافه شده است:

«... رژیم خاندان سعودی رژیمی دست نشانده و وابسته به ریج به امر تالیسم آمریکا بیش نیست و این برنامه های به ظاهر اسلامی و دودویی همگروهی اقداماتی است که بناقشه استعمار برای تسلط بر ممالک اسلامی صورت می گیرد، چنانکه استعمار از تجدید اسلام و نهضت مسلمان می هراسد و برای جلوگیری از این امر ناچار باید رژیم هایی دست نشانده در منطقه بوجود آورد تا این رژیمها رهبری جهان اسلام را بدست بگیرند. آن چنانکه اهداف استعمارگران و تأمین منافع آن میسر شود... تلاش آمریکا بر این است تا توسط این رژیم منحوس سلطه خود را بر جهان اسلام عمیق تر و گسترده تر بگرداند تا همه مسلمانان زیر چتر آمریکا بروند... همبستگی آمریکا و رژیم سعودی یک مساله کاملاً واضح و روشن است، که خود رژیم سعودی هم آن را انکار نمی کند، بلکه به آن افتخار هم می کند.»

در زیر این ویدیو شمار «تا بوداد اسلام آمریکایی...» درج شده است.

شوخی نیست...!

کاندیدای کومه

در بین کاندیداهای نمایندگی مجلس در دوران پنجم، یک روحانی بنام جعفر مهاجر می وجود داشت. وی برای راه پیدا کردن به مجلس تنها کار تبلیغاتی که کرد این بود که تمام افراد آنها ساواکها، قداره بدندان و چماق بهستان دوران شاه را برای تبلیغ بسیج و متحد کرد. (انقلاب اسلامی، ۵۹/۲/۱۵)

این جناب «روحانی» در سخنرانی هایش گفته بود: «اگر انتخاب نشوم از کشته، بشته میزنم، و یا «دوران را گردنم میزنم» (همانجا)

سؤال: بختید، این روحانی کاندیدای «کومه» و یا «تر بیجه های پوگ» دیگر نبود؟

حیوان جنگجوی آمریکایی

روزنامه های آمریکایی فرمانده تیم نظامی حمله به ایران را معرفی کردند.

«سرنک چارلز بکویز» فرمانده واحد مخصوص «نور آبی» است که به ایران حمله کرد. مسئولیت قتل های بسیاری از مردم ویتنام به گردن این سرنک جنایتکار آمریکایی است. سرنک «بکویز» که دو مرتبه قتل داد، یک قول آمریکایی است که بکویز جنگجو معروف است. او نیز در کلاه سبزهای آمریکا، که در ویتنام به قتل عام مردم ویتنام مشغول بودند، بسیار معروف است. سرنک «بکویز» که فرماندهی ۲۵۹ کماندو با نام مردان «نور آبی» را برعهده دارد، جنایات بیشماری در ویتنام مرتکب شده است.

ما فقط میتوانیم این حیوان جنگجوی آمریکایی را به باغ وحش معرفی کنیم!

هسته گلوگیر

«چین از آمریکا نیروگاه هسته ای خرید» (کیهان، ۵۹/۲/۱۵)

ظریفی گفت: باید به آقای هوا کوفتک گفت: مواظب آیتند باشید. اینجور هسته ها بجز جوری در گلو گیر میکند!

سئوال روز

«آمریکاییان مقیم ایران را هیچ خطری تهدید نمیکند.» (خبرگزاریها، کیهان-۵۹/۲/۱۵)

— ایرانیان مقیم آمریکا را چطور؟

لطفاً سؤال نکنید

استادار اسفهان طی افشاء توطئه آمریکا برای تخریب پالایشگاه اسفهان گفت:

«طی تلکسی از آمریکا به کارکنان شرکت فلور (پیمانکار) و سازنده پالایشگاه اسفهان) از آنها خواسته شده بود که پمپوتور پالایشگاه را با باز کردن قطعات مشخص از کار بیاورند و این قطعات را از طریق شرکت «ایران دیکتال» به کویت بفرستند. و اگر ارسال قطعات مشکل باشد... مانند قطعات در شرکت مذکور اشکالی ندارد.» (کیهان، ۵۹/۲/۱۶)

— لطفاً سؤال نکنید، «شرکت ایسران دیکتال» چیست و در ایران چه کارهایی میکند؟

یک پیشنهاد سازنده

روابط عمومی استانداری کرمان، پیرامون تجاوز نظامی دوپاره آمریکا به ایران اطلاع داد که:

«روز گذشته ۳ فروند هلیکوپتر آمریکایی توسط عشاری صرف در حال پرواز مشاهده شد...» (کیهان، ۵۹/۲/۱۶)

— ظریفی پیشنهاد می کرد که بجای دستگاه های راداری و رخصت ایران، که هیچ کاری از دستشان بر نمی آید، این عشاری را قرار بدهند که اقلاً هواپیما را در حال پرواز در ارتفاع کم مشاهده کنند!

تکذیب

روزنامه کیهان، ۱۶ اردیبهشت، مشخصات یک گروه کماندویی انگلیسی را، که در «خدمات مخصوص هوایی» مشغول کارند، چاپ کرده است. این گروه با شعار «کسیکه جرأت میکند، بیرون است» طوری تربیت میشوند که «در هر شرایطی دست بصله بزنند که شکست در آن جز فاجعه اثری ندارد...» (داوطلبان عضویت یک سلسله آزمایشهای جسمانی روانی پرشکننده را می بینند... آنها طوطی تربیت میشوند که در حملات سریع و بیرحمانه چنان ورزیده شوند که با هر بحرانی بتوانند روبرو شوند... این گروه در ۱۹۴۲ نخستین بار زیر نظر «مونتگومری» بوجود آمدند. و او آنها را بقدر کافی «بی کله» خوانده بود... بیشتر فعالیت های این گروه در ایراندشمالی علیه ملیون جمهوریخواه متمرکز بوده است.)

(کیهان، ۵۹/۲/۱۶)

بدنبال این خبر گروهی از کفتارها و خرسها و درندگان «دوختی» در جنگلهای آمازون کریم آمدند و ملی تلکرامی به کاغذ سفید و اشکین، هر گونه ارتباطی را با این کماندوها (از نظر دوختگی) تکذیب کردند!

آقای شلزینگر، شما هم!

جیمز شلزینگر، وزیر سابق دفاع آمریکا، که در آمریکا و اروپا بعنوان «خبیر» مسائل استراتژیکی و دفاعی شهرت دارد، در مساعیهایی با مجله اشپیکل، که ترجمه آن در روزنامه اطلاعات (۱۸ اردیبهشت) چاپ کرده، از جمله گفته است:

«مسایقات تسلیحاتی بین دو ابر قدرت تا چند سال اخیر هم مسر خود را طی میکرد، ولی ناگهان جنبه یک جانبه به خود گرفت. شوروی روز بروز بر بودجه تسلیحاتی خود افزوده جمع پول های را که دولت شوروی صرف متاجر امور تسلیحاتی میکند، به اندازه کل مجموع متاجری است که کلیه کشورهای غرب به مصرف هزینه های تسلیحاتی خود می رسانند.»

معنای اول، آنجا که این حرفها را عیناً، با ضافه ارقام و آمار، در تریپه تاحه «رنیجر»، شماره (۳۸) سر قلم رفته اند. معلوم کنید: شلزینگر «رنیجر» را میخواند یا «رنیجر» شلزینگر را می خواند.

شلزینگر اضافه کرده است: «بدون شك هر گاه ما قدرت تسلیحاتی خود را با قدرت تسلیحاتی شرق همپا نکنیم، هرگز قادر نخواهیم بود از امنیت خود دفاع کنیم و هوادار در معرض خطر خواهیم بود.»

و اینست که سقوط شاه در ایران را نشان داد که آمریکا و اروپا در خلیج فارس از یک نوع سیاست باید تبعیت کنند و آن متحد شدن در مقابل خطر نیروی سرخ است.

معنای دوم، معلوم کنید چرا حتی شلزینگر هم نمیداند که «دو ابر قدرت سازش کرده اند»!

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود